



سال نوزدهم، دوره ۱۸، پیاپی (۲)، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

شایا: ۷۰۳۹-۱۷۳۵

• واکاوی شکل گیری ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از

ازدواج در بین دختران با استفاده از روش گراندد تئوری

(مطالعه موردی شهرستان شهرضا)

۱-۲۳

سمانه شادمند، سیدعلی هاشمیان فر، سعید آقاسی

▪ تحلیل جامعه شناختی ترس از در حاشیه ماندن در زیست

جهان دیجیتال: (مدل سازی ساختاری تأثیرات اجتماعی و

روان شناختی رسانه های اجتماعی شهر اهواز بر کاربران)

۲۴-۴۳

نرگس درویشی، سمیرا حیدری اصل، نسرين درویشی

واکاوی شکل گیری ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج در بین دختران با استفاده از روش گراندد تئوری

مطالعه موردی شهرستان شهرضا

سمانه شادمند^{۱*} سیدعلی هاشمیان^۲ سعید آقاسی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، اصفهان، ایران.

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران.

۳- استادیار گروه مدیریت واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده:

تحقیق حاضر با رویکرد گراندد تئوری (تئوری بنیادی) به روش گلایزر و اشتراوس انجام شده است. این پژوهش به تحلیل ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج در میان دختران مجرد شهرستان شهرضا پرداخته است. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه و اسناد جمع‌آوری شده و با استفاده از روش کدگذاری سه‌فازی (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تحلیل گردیدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، عملیات طبقه‌بندی و سازماندهی آن‌ها انجام شده و مقوله‌ها بر اساس سوالات محوری تحقیق تفکیک و مرتب شدند. در نهایت، نظریه‌ها در قالب مدل ارتباطی تبیین شدند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ترس از ازدواج تحت تأثیر عواملی چون شکست‌های احساسی دیگران، کمال‌گرایی، انتظارات فرهنگی و فشارهای اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. مقوله هسته‌ای تحقیق "نا مفهوم بودن ارزش ازدواج و کمال‌گرایی" است که نگرش‌های متناقض را ایجاد کرده و ترس از ازدواج را تقویت می‌کند. این تحقیق همچنین راهبردهایی برای کاهش ترس‌ها و ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی دختران پیشنهاد کرده است که می‌توانند از پیامدهای منفی ترس از ازدواج جلوگیری کنند.

کلیدواژه‌ها: تروما، ازدواج، ترس، عوامل اجتماعی، شرایط فرهنگی

*نویسنده مسئول:

مقدمه

با گسترش فرآیند صنعتی‌شدن و مدرنیته در جوامع مختلف، تحولات گسترده‌ای در ساختار خانواده و ارزش‌های خانوادگی و ازدواج به وجود آمده است. ارزش‌های سنتی حاکم بر جوامع پیشا صنعتی، که مبتنی بر اطاعت، اقتدار، سن‌سالاری و جنس‌سالاری بود، به تدریج با ارزش‌های مدرن مانند برابری جنسیتی، پذیرش تغییرات در نقش‌های زنان و کودکان، و تأکید بر استقلال فردی جایگزین شده است. همچنین، با ورود برخی جوامع به دنیای فراصنعتی، ارزش‌های فردمحور و پست‌مدرن در حال گسترش و تأثیرگذاری هستند.

فرآیند مدرنیته در غرب، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی را نیز تحت تأثیر قرار داده و پیامدهایی مانند شهرنشینی، اقتصاد صنعتی و توسعه نظام‌های مختلف را به همراه داشته است. در جامعه ایرانی، شاهد ظهور ارزش‌های پست‌مدرن در حوزه خانواده هستیم، پیش از آن‌که این جامعه به طور کامل به جوامع فراصنعتی و حتی صنعتی ملحق شود. تغییرات در حوزه خانواده و ازدواج، مانند افزایش طلاق، کاهش تمایل به فرزندآوری، روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، تغییرات در روابط عاطفی خانواده‌ها، و گسترش الگوهای هم‌خانگی، نشان‌دهنده روندهای تحولی در این زمینه‌هاست.

امروزه، تمایل به ازدواج در برخی از افراد کاهش یافته است. این پدیده، که می‌تواند ناشی از کاهش ارزش‌های سنتی و گسترش نگرش‌های آزاداندیشانه پست‌مدرن در جامعه ایرانی باشد، تأثیرات گسترده‌ای بر خانواده‌ها و ساختار اجتماعی آن‌ها داشته است. اهمیت ازدواج در جامعه ایرانی که همواره خانواده‌مداری جزو اصول بنیادین آن بوده، همچنان قابل توجه است. از سوی دیگر، هر گونه تحول در ارزش‌های خانوادگی نیازمند زیرساخت‌های مناسب است و فقدان این زیرساخت‌ها می‌تواند منجر به کاهش تمایل به ازدواج و دوری از آن شود. در تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، ضروری است که عوامل فرهنگی و اجتماعی آن جامعه شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب، ترومای اجتماعی و فرهنگی که در مراحل مختلف رشد فرد تأثیرگذار است، می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری ترس از ازدواج شناخته شود.

بیان مسئله، اهمیت و هدف

خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی بنیادی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و رفتاری جوامع ایفا می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرآیندهای اجتماعی فرد در آن شکل می‌گیرد و تأثیرات آن در کل زندگی فردی و اجتماعی فرد برجسته است. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که هر گونه اصلاحات اجتماعی باید از درون خانواده آغاز شود، چراکه نهاد خانواده بنیان‌گذار بسیاری از تحولات اجتماعی است.

ازدواج به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، علاوه بر اینکه یک نیاز انسانی است، در بسیاری از جوامع به‌عنوان یک الزام فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در نظام خلقت، ازدواج به‌عنوان یک قانون طبیعی در نظر گرفته شده است و انسان‌ها نیز جزئی از این نظام بزرگ‌تر هستند. با این حال، فرآیند مدرنیته و تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، موجب تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی در رابطه با ازدواج شده است. این تحولات باعث ایجاد پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی در زمینه ازدواج شده است، به‌طوری که در جوامع مدرن، شاهد کاهش تمایل به ازدواج و تغییرات در شیوه‌های تشکیل خانواده هستیم.

مسئله اصلی این تحقیق، کاهش چشمگیر نرخ ازدواج در جامعه ایران است. بر اساس آمارهای موجود، شاهد کاهش تمایل به ازدواج در میان افراد در سن ازدواج هستیم. طبق گزارش علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر جمعیت و سرشماری مرکز آمار ایران، در کشور ایران بیش از ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مجرد در سن ازدواج قرار دارند که از این تعداد، ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر زن و ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مرد هستند (مجله همشهری، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱). با وجود تلاش‌های دولت در راستای تسهیل ازدواج، مانند تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان در سال ۱۳۸۴، هنوز کاهش تمایل به ازدواج در این قشر از جامعه مشهود است. اقدامات دولت در سطح کلان ممکن است تأثیراتی مثبت داشته باشد، اما هنوز نیاز به بررسی عوامل فردی و روانی وجود دارد که در این پدیده مؤثر هستند.

این تحقیق به دنبال واکاوی و تحلیل عوامل اجتماعی، فرهنگی است که منجر به «ترس از ازدواج» می‌شود. این ترس، به‌عنوان واکنشی فیزیولوژیک در برابر پدیده ازدواج ایجاد می‌شود و می‌تواند ناشی از تجارب اجتماعی و فرهنگی فرد در طول زندگی او باشد. ترومای اجتماعی و فرهنگی ناشی از تجربیات فردی و جمعی در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی، می‌تواند به تدریج در فرد شکل گیرد و او را از ازدواج بازدارد.

در این تحقیق، «ترس از ازدواج» به‌عنوان واکنشی فیزیولوژیک و روانی به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه تحلیل می‌شود. این ترس می‌تواند ناشی از ترومای اجتماعی و فرهنگی در دوران‌های مختلف زندگی فرد باشد. به‌عبارتی دیگر، در این تحقیق به دنبال شناسایی عواملی هستیم که باعث شکل‌گیری و تقویت این ترس در بین دختران می‌شود. ترس از ازدواج به تغییرات اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه بازمی‌گردد که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر نگرش افراد نسبت به ازدواج بگذارد.

در این راستا، پژوهش به بررسی عواملی همچون «ترومای اجتماعی»، «ترس از تعهد»، «تصورات منفی از زندگی زناشویی»، «تجربیات خانواده و جامعه»، و «تأثیرات رسانه‌ای و اجتماعی» می‌پردازد که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب ترس از ازدواج شوند. برای مستندسازی این پدیده، از داده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی استفاده خواهد شد. طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، جمعیت

شهرستان شهرضا با نرخ رشد متوسط سالانه ۷۷ درصد از ۱۴۳,۹۰۳ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۴۹,۵۳۲ نفر در سال ۱۳۹۰ و در سال ۱۳۹۵ به ۱۵۹,۷۹۷ نفر افزایش یافته است (منبع: سالنامه آماری). همچنین، مطابق آمارهای سرشماری، متوسط بعد خانوار در شهرستان شهرضا از ۳.۶۹ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۳.۱۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، ۱۳۹۹). این تغییرات، علاوه بر ابعاد جمعیتی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی خاصی بر خانواده‌ها و نگرش‌های آنان نسبت به ازدواج و خانواده‌داری دارد.

علاوه بر این، نرخ باروری عمومی در شهرستان شهرضا از ۱.۴۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰.۴۴ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، ۱۳۹۹). کاهش این نرخ باروری، که نشان‌دهنده کاهش تمایل به فرزندآوری و ازدواج در جامعه است، می‌تواند به‌عنوان یکی از نشانه‌های شکل‌گیری ترس از ازدواج و سایر تغییرات اجتماعی مرتبط با آن در نظر گرفته شود.

آمار ازدواج در شهرستان شهرضا نیز نشان‌دهنده کاهش است. طبق گزارش رئیس ثبت احوال شهرستان، در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰، ۵۸۵ مورد ازدواج ثبت شده است که نسبت به سال گذشته کاهش ۴.۴ درصدی داشته است (سینا خبر، ۲۳ مهر ۱۴۰۰). این کاهش آمار ازدواج در کنار سایر تغییرات جمعیتی، می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای بررسی ارتباط میان تغییرات اجتماعی و فرهنگی و ترس از ازدواج در جامعه مدنظر قرار گیرد.

هدف این تحقیق، کشف و درک عمیق فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی است که منجر به شکل‌گیری ترس از ازدواج در بین دختران می‌شود. این تحقیق در پی پاسخ به پرسش زیر است:

چگونه ترومای اجتماعی-فرهنگی در مراحل مختلف زندگی فرد بر نگرش او نسبت به ازدواج تأثیر می‌گذارد؟

در نهایت، این تحقیق با تأکید بر درک عمیق‌تر از «ترس از ازدواج»، به دنبال ارائه راهکارهایی برای ترویج ازدواج و کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی آن در جامعه ایرانی است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

در پایان‌نامه‌ای با عنوان "رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج" نوشته فائزه احمدی (۱۴۰۲) بررسی رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج پرداخته است. هدف این پژوهش تحلیل تأثیر ارتباط پدر و دختر و سبک دلبستگی بر معیارهای انتخاب همسر در میان دختران مجرد ساکن لاهیجان بود. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و با نمونه ۱۵۰ نفر انجام شد. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل مقیاس‌های ارزیابی پدر و دختر،

سبک دلبستگی، ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش به ازدواج و ترس‌های قبل از ازدواج بود. نتایج نشان داد که ارتباط مثبت و صمیمانه میان پدر و دختر، به‌ویژه سبک دلبستگی ایمن، با ملاک‌های مناسب انتخاب همسر (مثل مهربانی، درک، تشابهات و رمانتیک بودن) و نگرش مثبت به ازدواج ارتباط دارد. همچنین، تفاوت‌هایی میان سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در برخی ملاک‌های انتخاب همسر و نگرش به ازدواج مشاهده شد.

-در رساله‌ای تحت عنوان "کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه در شهر اهواز" به قلم مسعود نباری زاده (۱۴۰۲) به بررسی فرایندهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری زیست مجردانه در میان مردان و زنان پرداخته است. این تحقیق کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) و با استفاده از مصاحبه عمیق انجام شده است. هدف این مطالعه، شناسایی و فهم فرایندهای شکل‌گیری زیست مجردانه از دیدگاه افراد واجد این نوع زندگی است. در این پژوهش، ۲۳ نفر از افرادی که در اهواز زندگی مجردانه داشته‌اند، به‌طور هدفمند انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری سه‌گانه استراوس و کوربین منجر به شناسایی ۲۸ مقوله فرعی و ۹ مقوله اصلی از جمله: "زیست مجردانه پیوستاری از الزام موقعیت تا انتخاب سبک زندگی"، "فرایند دائمی مشروعیت‌سازی"، "زیستن علیه تجویز فرهنگی"، "توسعه و تحقق فردی و حرفه‌ای"، و "جای خالی خانواده" شد. در نهایت، مقوله هسته‌ای "زیست مجردانه: ساخت گشایی زیست‌جهان جوانان" شناسایی گردید. همچنین، مدل پارادایمی استراوس و کوربین برای تشریح چگونگی، قوام و استمرار زیست مجردانه و پیامدهای آن استفاده شد.

-در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "آینده پژوهی وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران در افق چشم‌انداز توسعه ۱۴۲۰ با تأکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی" به قلم زهرا خلیلی (۱۴۰۱) به بررسی وضعیت ازدواج در آینده ایران پرداخته است. این پژوهش با هدف آینده‌پژوهی و تأکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی انجام شده و از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی با روش دلفی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰ نفر از متخصصان و خبرگان مسائل ازدواج است که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند.

داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل اقتصادی مانند درآمد ماهیانه، مسکن و هزینه‌های جاری، عوامل فرهنگی شامل عقاید مذهبی و تعصبات فرهنگی، عوامل اجتماعی مانند نگرش جوانان به ازدواج و فضای مجازی، عوامل قانونی مانند قوانین دینی و حقوق فردی زوجین، عوامل فردی و روانشناختی مانند بلوغ فکری و خودشناسی، و عوامل آموزشی و تربیتی همچون آموزش خانواده در مدارس و برنامه‌ریزی‌های کلان تربیتی، به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران مطرح شدند.

تحقیقات خارجی

تحقیقی تحت عنوان "تحقیقات آسیب‌پذیر: شایستگی‌ها برای تروما و قوم‌نگاری مبتنی بر عدالت" از تیلور پیچ وینفلد (۲۰۲۲) انجام‌گرفته است. محقق به معرفی پروژه تحقیقاتی خود و چالش‌هایی که انگیزه این مقاله را ایجاد کرده است، می‌پردازد. سپس شش شایستگی کلیدی را معرفی می‌کند که باید در آن‌ها آموزش دیده و ارزیابی شوند تا اطمینان حاصل شود که تحقیقات آنان آسیب‌زا نباشد و در عین حال بر اساس اصول عدالت انجام گیرد. این شایستگی‌ها عبارتند از: (الف) خودآگاهی، (ب) رویکرد مشارکت‌محور، (ج) شناخت موقعیت اجتماعی، (د) توجه به تروما، (ه) آگاهی از محدودیت‌های حرفه‌ای، و (و) مرزهای مؤثر و مراقبت از خود.

در این تحقیق، توجه ویژه‌ای به مفهوم تروما و نحوه تأثیر آن بر شرکت‌کنندگان در تحقیقات کیفی اختصاص یافته است. تروما می‌تواند به‌طور عمده به آسیب‌های روان‌شناختی، عاطفی یا جسمی ناشی از تجربیات منفی و شدید گذشته اشاره داشته باشد، که تأثیرات آن می‌تواند عمیق و بلندمدت باشد. در جمعیت‌های آسیب‌پذیر، افرادی که تجربه تروما را داشته‌اند، ممکن است در مواجهه با تحقیقات و پرسش‌های تحقیقاتی بیشتر در معرض درد و ناراحتی‌های روانی قرار گیرند. بنابراین، محققانی که با این گروه‌ها کار می‌کنند، باید از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشند و توانایی مدیریت آسیب‌پذیری‌های ناشی از تروما را داشته باشند.

تحقیقی تحت عنوان "تحلیل خرد محلی در ازدواج جامعه بیما (بررسی ارزش‌های فرهنگی اجتماعی)" از امرین امرین، آدی پریونو و دیگران (۲۰۲۲) در تحقیق حاضر، مفهوم تروما به‌طور خاص به دو جنبه مهم تروما اجتماعی و تروما فرهنگی توجه دارد. این دو نوع تروما نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و فرهنگی دارند و می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تجربیات فردی و جمعی از مراسم‌ها و ارزش‌های اجتماعی داشته باشند. در این راستا، تروما اجتماعی به آسیب‌های ناشی از تبعیضات اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی اشاره دارد که افراد یا گروه‌های خاصی از جامعه به دلیل هویت‌های فرهنگی، قومی یا مذهبی خود متحمل آن می‌شوند. به‌ویژه، در جوامع بومی مانند جامعه بیما، که با آداب و رسوم خاص خود شناخته می‌شوند، این نوع تروما می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه تعامل و پذیرش آداب فرهنگی اثر بگذارد.

ترومای فرهنگی، در مقابل، به آسیب‌هایی مربوط به تهدید یا فراموشی هویت‌های فرهنگی و ارزش‌های سنتی اشاره دارد. برای مثال، تغییرات اجتماعی یا فشارهای بیرونی می‌تواند به تدریج منجر به فراموشی یا تضعیف سنت‌ها و مراسم‌های فرهنگی شود. در جامعه بیما، سنت پتا کاپانکا به عنوان یک بخش از خرد محلی، با ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی چون دوستی، همکاری و برادری گره خورده است. این سنت که تاکنون در این جامعه حفظ شده، ممکن

است به دلیل تهدیدات بیرونی نظیر جهانی شدن یا فشارهای اجتماعی، با چالش‌هایی مواجه شود که به نوعی تروما فرهنگی را به همراه دارد.

-در تحقیقی تحت عنوان "تحلیل عوامل روانی معاصر ترس جوانان از ازدواج در چین" که توسط جون رام آه در سال (۲۰۲۳) انجام گردید، بیان شده است که میل به ازدواج و تشکیل خانواده شاد، یک هدف ابدی انسانی است، اما در چین نگرش سنتی مردم نسبت به عشق، ازدواج، خانواده و جامعه با موانع مهمی روبرو است. اصلاحات اجتماعی و سیاست‌های باز کردن درهای کشور به سوی اقتصاد بازار، اثرات قابل توجهی بر این نگرش‌ها گذاشته است. تغییرات اجتماعی باعث شده‌اند که ازدواج، که زمانی به عنوان یک لحظه شاد در زندگی افراد تلقی می‌شد، اکنون با نگرانی و ترس‌هایی از سوی جوانان همراه باشد.

این مطالعه از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی برای انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شش جوان استفاده کرده است که شامل سه پسر و سه دختر می‌شود. پس از انجام مصاحبه‌ها، نتایج زیر حاصل شد: علل ترس جوانان معاصر از ازدواج و عوامل روانی آن‌ها به طور قابل توجهی مثبت است. عوامل اصلی ترس جوانان از ازدواج شامل موارد زیر است :- ترس از دست دادن فرصت‌های ارتقاء شغلی- ترس از تکرار مشکلات ازدواج والدین به دلیل تأثیرات خانواده‌های اصلی- احساس بی‌اعتمادی به ازدواج و این باور که ازدواج ممکن است مایه پشیمانی باشد- ترس از ازدواج به دلیل انتظارات ناکام از آن

جمع بندی :

محقق برای کشف و درون فهمی ترس از ازدواج از فن مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده می نماید به منظور آماده سازی برخی سولات مصاحبه نیاز است که به مطالعات پیشین در زمینه ترس ، شناخت های اجتماعی و فرهنگی از ازدواج بپردازد در حین مطالعات این نیاز بیشتر احساس می گشت که مطالعات انجام شده در ابعاد کلان بوده و ساختاری می باشد ؛ و مصاحبه رو در رو می تواند به شناخت عمیق تر این ترس ها کمک نماید .

دیدگاه جامعه‌شناسی در ازدواج :

در دیدگاه جامعه‌شناسی، خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جامعه شناخته می‌شود که سرنوشت آن با سرنوشت جامعه پیوند خورده است. در مکتب اسلام نیز ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۲). دورکیم، یکی از جامعه‌شناسان فرانسوی، معتقد بود که خانواده بیشتر از یک پدیده زیستی، یک پدیده اجتماعی است و باید در چارچوب جامعه‌شناسی مطالعه شود. همچنین، نظریه‌پردازانی چون مورگان و کلود لوی اشتراوس بر ماهیت اجتماعی ازدواج تأکید داشتند. (ریتزر، ۱۳۷۵: ۳۴۵)

مالینوفسکی نیز خانواده را به عنوان "ماده خام" برای شکل‌گیری ارگانیزم اجتماعی می‌داند که فرد را به یک عضو کامل از جامعه تبدیل می‌کند. (میشل، ۱۳۵۴: ۷۵) ازدواج در جامعه ما با مشکلات زیادی مواجه است که بخشی از آن به پیش‌فرض‌ها و ذهنیات فرهنگی جامعه مربوط می‌شود و اگر تنها مشکلات اقتصادی را عامل اصلی بدانیم، ممکن است از مسائل فرهنگی و اجتماعی غافل شویم.

آنتونی گیدنز نیز معتقد است که نهادهای اجتماعی وسیله‌ای برای پیوند زندگی اجتماعی‌اند که ترتیبات اساسی زندگی را فراهم می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۱۱). ازدواج و زناشویی از مسائل مهم بشر است که در حوزه‌های مختلف علمی مانند جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. تغییرات اجتماعی مانند افزایش سن ازدواج و پدیده مجرد قطعی در دختران، ناشی از تحولات اجتماعی و فرهنگی هستند (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۷).

زمان ازدواج تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. تحولات اقتصادی و اجتماعی، مثل فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیدگی تقسیم کار اجتماعی، افزایش تحصیلات و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خارج از خانه، از عوامل مؤثر در تأخیر ازدواج به شمار می‌آیند. (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۸)

ترس وجودی و اجتماعی

ترس وجودی و اجتماعی موضوعی است که برخی از متفکران آن را به عنوان پدیده‌ای روان‌شناختی و فردی بررسی کرده‌اند و در مقابل آن، ترس‌های اجتماعی را به عنوان پدیده‌های بیرونی که از جامعه و نهادهای اجتماعی ناشی می‌شوند، تحلیل کرده‌اند. برخی از نویسندگان مانند باربالت تفاوت‌هایی میان ترس اجتماعی و غیر اجتماعی قائل شده‌اند (باربالت، ۱۹۹۸: ۱۴۹). این ترس‌ها غالباً ریشه‌های اجتماعی دارند و از طریق جامعه و تحولات آن تقویت می‌شوند. برای نمونه، یوری لودا در روسیه بعد از شوروی نشان داد که ترس‌های وجودی مانند ترس از مرگ خویشاوندان بیشتر از ترس‌های اجتماعی مانند جرائم یا مالکیت رایج بوده‌اند. (لودا، ۲۰۰۴: ۱۷)

ترس‌های اجتماعی در طول تاریخ تغییرات زیادی کرده‌اند و بسته به فرهنگ و زمان، شکل و محتوای متفاوتی پیدا کرده‌اند (شلا پنتوخ، ۱۹۲۶: ۱۹۹). در روان‌شناسی، ترس‌ها به سه نوع تقسیم می‌شوند: ترس‌های منطقی که از محیط بیرونی ناشی می‌شوند، ترس‌های نابهنجار که از ضمیر ناخودآگاه فرد می‌آیند و ترس‌های اخلاقی که ریشه اجتماعی دارند و از فشارهای اجتماعی و فرهنگی بر فرد ناشی می‌شوند. (راه رخشان، ۱۳۷۲: ۱)

در تاریخ اجتماعی ایران، وقایع و رخداد‌های تاریخی نقش مهمی در شکل‌گیری ترس‌های اجتماعی و اخلاقی داشته است. به‌ویژه در دوره‌های مختلف، فشار حکومت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی موجب افزایش این ترس‌ها در جامعه

می‌شد. این ترس‌ها معمولاً به‌ویژه زمانی بروز می‌کنند که امنیت اجتماعی از بین برود و مردم احساس تهدید از جان، مال و اعتقادات خود کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۴: ۴)

در این تحقیق، منظور از ترس، ترس‌های اجتماعی و بیرونی است که به‌واسطه شرایط اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شود، و منظور ترس‌های درونی و روان‌شناختی نیست.

ترومای اجتماعی

پیش از پرداختن به مفهوم تروما در جامعه‌شناسی، نگاهی مختصر به نظرات جفری سی. الکساندر خواهیم داشت. برخی از متفکران او را بنیان‌گذار جامعه‌شناسی چندبعدی می‌دانند. وی با وجود توجه به ابعاد مختلف پدیده‌ها که در نظریات مختلف جامعه‌شناسان مطرح شده، هیچ‌کدام از این ابعاد را به‌تنهایی برای تحلیل پدیده‌ها کافی نمی‌داند و معتقد است که باید این ابعاد به‌طور ترکیبی بررسی شوند. نگرش فلسفی الکساندر از تفکرات دورکیم، پارسونز و وبر تأثیر پذیرفته است، هرچند که همواره تلاش کرده است که تفکر خود را در چارچوب اندیشه‌های کلاسیک محدود نسازد و به‌دنبال گشودن افق‌های جدید برای تقویت نظریات باشد. برخی متفکران جامعه‌شناسی، الکساندر را به‌عنوان آغازگر حرکتی نوین در نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌دانند که در راستای همگامی با تغییرات اجتماعی و تکامل نظریات برای تبیین مسائل نوین اجتماعی است. (فخرایی، ۱۳۸۸)

در کتاب تروما: یک نظریه اجتماعی، جفری سی. الکساندر نظریه اجتماعی تروما را توسعه می‌دهد و از آن برای بررسی تجربی رنج‌های اجتماعی در سطح جهانی استفاده می‌کند. الکساندر معتقد است که تروما صرفاً یک تجربه فردی روان‌شناختی نیست، بلکه یک تجربه جمعی است که نقش اساسی در تعریف منشأ و نتایج تعارضات اجتماعی ایفا می‌کند. وی مدل خاصی از «کار تروما» را ارائه می‌دهد که به گروه‌ها در میدان اجتماعی مرتبط است. (الکساندر، ۲۰۱۲: ۳)

نظریه تروما و هویت جمعی

در تبیین فرآیند تروما، الکساندر از منفعت شخصی فاصله می‌گیرد و به هویت جمعی توجه می‌کند. همانطور که در کتاب خود اشاره می‌کند، ما نیاز داریم که مفهوم منفعت شخصی را کنار بگذاریم و به هویت جمعی بپردازیم، چرا که این هویت جمعی است که در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. به جای تمرکز بر علاقه‌های فردی، باید به رنج اجتماعی پرداخته شود تا بتوان درباره عواطف و تهدیدات وجودی برای باورهای اخلاقی صحبت کرد.

در این چارچوب، تروما به عنوان یک آسیب فرهنگی مشترک، به فرآیندهایی اجتماعی وابسته است که از طریق روایت‌های جمعی، هویت‌های جدید ساخته می‌شود. این هویت‌های جمعی در پاسخ به تروما و رنج اجتماعی، می‌توانند همگام با گذشته، تهدیدات و چالش‌های کنونی، به سمت آینده حرکت کنند. بر این اساس، فرآیند ساخت معنا از تروما به طور مداوم در حال مذاکره و بازنگری است. (الکساندر، ۲۰۱۲: ۱۲)

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از روش سیستماتیک استراوس و کوربین استفاده شده است که بر مبنای مقایسه پیوسته داده‌ها و کدگذاری تاکید دارد. این روش شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی است:

کدگذاری باز: این مرحله شامل شناسایی مفاهیم اصلی از داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد مختلف است. داده‌ها با مقایسه وقایع مشابه به مقوله‌های مشترک وارد می‌شوند.

کدگذاری محوری: در این مرحله، مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر مرتبط می‌شوند. این فرآیند از تفکر استقرایی و قیاسی استفاده می‌کند و برای کشف الگوهای پارادایمی به کار می‌رود.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله، محقق به مدل‌سازی و توسعه فرضیات می‌پردازد. مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر در قالب مدل‌های مختلف مانند اظهارات حکایتی یا نمودارها قرار می‌گیرند. (ایمان، ۱۳۹۴: ۸۱)

در تحقیق حاضر، هدف بررسی اختلال اضطرابی از ازدواج نیست، بلکه تمرکز بر شناسایی ترومای اجتماعی و فرهنگی است که ترس از ازدواج را در افراد ایجاد کرده است. هدف از این تحقیق کشف و فهم این ترومای اجتماعی و فرهنگی به طور درون‌فهمی می‌باشد.

فرایند مصاحبه به این صورت پیش رفت که برخی از مشارکت‌کنندگان به کلینیک روانشناسی مراجعه کرده و طبق تشخیص روانشناس، علل ترس آن‌ها به ترومای اجتماعی و فرهنگی مرتبط بود. علاوه بر این، برخی از مصاحبه‌ها به وسیله معرفی دوستان و آشنایان صورت گرفت و روند نمونه‌گیری به صورت گلوله‌برفی ادامه یافت. لازم به ذکر است که برخی مصاحبه‌ها از چرخه تحقیق خارج شدند، چرا که اطلاعات حاصله از نزدیکان غنی نبوده و نتایج مطلوبی در کشف و درون‌فهمی ترومای اجتماعی و فرهنگی به دست نیامد.

بنابراین، تصمیم بر آن شد که مشارکت‌کنندگان از نزدیکان و آشنایان نباشند و نمونه‌گیری به سمت نمونه‌گیری نظری پیش رود. نمونه‌گیری نظری فرآیندی است که طی آن تحلیلگر به طور همزمان داده‌ها را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و در عین حال تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعدی چه داده‌هایی باید جمع‌آوری و از کجا استخراج

شوند تا نظریه‌اش در حال شکل‌گیری به‌درستی تدوین گردد. به‌عبارتی دیگر، نظریه در حال تدوین فرآیند گردآوری داده‌ها را هدایت می‌کند. (فلیک، ۱۹۵۶: ۱۳۸)

پرسش‌های تحقیق

عوامل مؤثر در شکل‌گیری ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج کدامند؟

بسترهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر این ترس شامل چه عواملی هستند؟

زمینه‌های شکل‌گیری ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چگونه تعریف می‌شود؟

استراتژی‌های مقابله با ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چگونه شکل می‌گیرد؟

پیامدهای ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چیست؟

مشارکت‌کنندگان دختر بر اساس تحصیلات، سن، سطح معیشتی (شاغل و بیکار)

گروه سنی	تحصیلات	سطح معیشتی (شاغل / بیکار)	تعداد مشارکت‌کنندگان
۲۰-۲۹	دیپلم : لیسانس : ۵ نفر فوق لیسانس : ۱ نفر دکتر : ۱ نفر	۲ نفر بیکار ۴ نفر شاغل	۶
۳۰-۳۹	زیر دیپلم : ۱ نفر دیپلم : لیسانس : ۱ نفر فوق لیسانس : ۱ نفر دکتر : ۲ نفر	۲ نفر بیکار ۳ نفر شاغل	۵
۴۰-۴۹	دیپلم : لیسانس : ۴ نفر فوق لیسانس : ۲ نفر دکتر : ۲ نفر	۲ نفر بیکار ۶ نفر شاغل	۸
۵۰ به بالا	لیسانس : ۲ نفر	۲ نفر شاغل	۲

کد‌گذاری اولیه درباره ادراک پاسخگویان دختر از مفهوم ترس از ازدواج

وقتی بین پدر و مادر توافق وجود ندارد؟ (عدم صمیمیت)

پدر و مادر خواهان ازدواج فرزند نیستند

بالا بودن توقعات خانواده‌ها و مخالفت آنها

ناتوانی در خرید جهاز و سیسمونی

بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج

طلاق والدین

طلاق خواهر یا برادر / طلاق اقوام / طلاق دوستان

ترس از ازدواج ناموفق

نداشتن فرصت انتخاب آگاهانه همراه با عشق

عدم مشارکت و همکاری در ازدواج

عدم رشد اجتماعی بواسطه ازدواج

بی‌اعتمادی به جنس مخالف

نا توانایی حریم سازی و مرز سازی فرد از والدین

فرار از مسئولیت‌های زندگی

ترس از مسئولیت‌های زندگی

نداشتن شغل بالای پسران

نداشتن تحصیلات بالا

نبود سطح فرهنگی بالا

نداشتن سطح اقتصادی بالا

مهم بودن نوع ماشین

نوع مسکن

شغل پدر و مادر همسر

چهره

نوع پوشش

همسر پله پیشرفت و ترقی

چشم و هم چشمی‌ها

پیشرفت در درس یا شغل برای یافتن همسر مناسب‌تر

نیافتن همسر دلخواه

بالا بودن سطح انتظار طرف مقابل

بستر سازها

آبراهام مزلو در نظریه نیازهای خود معتقد است که انسان‌ها نیازهای مختلفی دارند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: (۱) نیازهای فیزیولوژیکی، (۲) نیاز به ایمنی، (۳) نیازهای اجتماعی، (۴) عزت نفس، و (۵) نیاز به خودشکوفایی (ساعتچی، ۱۴۰۰: ۲۵۸). وی بیان می‌کند که وقتی یک نیاز برآورده می‌شود، نیاز بعدی جای آن را می‌گیرد. به این معنا که انسان‌ها زمانی به دنبال برآوردن نیازهای اجتماعی (مانند برقراری ارتباط و تعلق با دیگران) می‌روند که نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی آنها تأمین شده باشد. این نظریه می‌تواند به توضیح ترس‌های موجود در فرآیند ازدواج کمک کند، زیرا عدم تأمین نیازهای پایه‌ای همچون امنیت اقتصادی، محدودیت‌های زندگی متأهلی و اختلافات اخلاقی و دینی می‌تواند باعث بروز ترس از ازدواج شود.

مصاحبه با ریحانه ۲۵ ساله: " دختر خاله ام از همسرش جدا شد به خاطر اینکه از نظر دینی و پایبندی به اخلاقیات با هم توافق نداشتند. و وابستگی شدید شوهرشان به مادرشان داشتند. نمی‌خواهم در زندگی آینده ام کینه و انتقام جویی باشد. پدر و مادرم برای من آرامش و راحتی رقم زده اند به هیچ وجه حاضر نیستم آرامش آنان را از بین ببرم در صحبت با خواستگاران همسانی در باورهای دینی در الویتم است. در ازدواجم دقت می‌کنم....برایم مهم است که گذشته پاکی را همسرم سپری کرده باشد. از پسرهای هوس باز می‌ترسم...."

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای از دیدگاه استراوس و کوربین (۱۳۹۲: ۱۵۴) به مجموعه‌ای از شرایط خاص اشاره دارد که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و اوضاع و احوال یا مسائلی را ایجاد می‌کنند که افراد از طریق عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. به عبارت دیگر، نظریه زمینه‌ای به گونه‌ای است که مستقیماً از داده‌های گردآوری شده در جریان پژوهش به صورت منظم استخراج و تحلیل می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۳۴).

نقش خانواده در وقایع مربوط به گذار و ازدواج در مطالعات مختلف در سطح جهان تأیید شده است. جونز و همکاران (۲۰۰۶: ۹۷) به این نکته اشاره می‌کنند که خانواده و والدین به طور فعال در تشکیل زوجیت فرزندان دخالت دارند. همچنین، لکاردی و روسپی (۲۰۰۶: ۳۳-۳۴) بیان می‌کنند که جوانان برای مقابله با شرایط نامشخص زندگی به خانواده خود متکی هستند. وین و وودمن (۲۰۰۶) و هاینتر (۲۰۰۹) نیز بر اهمیت بازگرداندن خانواده به کانون مطالعات جوانان تأکید دارند و بر تأثیر ساختارهای خانوادگی در کاهش اثرات مخاطره‌ای مانند ازدواج اشاره می‌کنند. (بنی جمالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷-۱۸) مقوله‌های اصلی مرتبط با شرایط زمینه‌ای در چهار دسته مربوط به خانواده فرد شامل: (۱) ناتوانی در حریم‌سازی و مرزسازی فرد از والدین، (۲) عدم حمایت والدین از فرد برای ازدواج، (۳) حمایت فرزندان از والدین، و (۴) حمایت از خواهر و برادر می‌باشد.

مصاحبه با شروین ۴۷ ساله: ".....مادرم فوت شدند. بعد از این همه سال فهمیدم می‌توانستم به موقع ازدواج کنم. خیلی از همکلاسی‌هایم دانشگاه قبول نشدند و ازدواج کردند و الان که در دانشگاه‌ها باز شده دارند با آرامش درس می‌خوانند. برادرم همیشه می‌گفت ازدواج کن، من گارد می‌گرفتم و صحبت‌هایش را توهین تلقی می‌کردم. از تنهایی به شدت می‌ترسم. باور می‌کنید با هیچ مردی تا الان دوست نبوده‌ام نمی‌توانم با جنس مخالف رابطه بگیرم. البته من فرصت‌های ازدواج را از دست داده‌ام. پدرم سه دانگ خانه را محضری به نام من زده که بعد از مرگش بی‌خانه نباشم. حقوق بازنشستگی پدرم هم به من می‌رسد. الان اگر ازدواج کنم مسوولیت پدرم با چه کسی باشد....."

شرایط علی

شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً به رویدادها و وقایعی اطلاق می‌شود که بر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند. (استراوس و کورین، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

طبق نظریه مدرنیزاسیون ویلیام گود (۱۹۶۳)، نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی بر زمان ازدواج تأثیر می‌گذارد. گود به فاکتورهای مهمی چون گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره می‌کند. او معتقد است که ازدواج افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و کنترل اجتماعی ضعیف‌تر در مقایسه با مناطق روستایی، با تأخیر بیشتری صورت می‌گیرد. در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود که این تغییر باعث می‌شود خانواده به یک واحد هسته‌ای تبدیل شود که بر فردگرایی استوار است. در این فرآیند، بخش عمده‌ای از تصمیمات زندگی اعضای خانواده، از جمله تصمیم در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می‌شود (طاهری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۸)

مقوله‌های اصلی این بخش در ۱۱ دسته کلی شامل موارد ذیل است:

شکست احساسی دیگران در ازدواج، کمال‌گرایی، درصد زوج‌های موفق و ناموفق در اطراف شخص

زندگی مجردی دوستان و آشنایان (راحتی)، ترس از ناامیدی در زندگی زناشویی، ناتوانی در تصمیم‌گیری به موقع، نداشتن مهارت‌های ارتباط‌های طولانی مدت، عدم جذابیت جنس مخالف، خیانت، تجاوز، رابطه پنهان

که در ادامه یک شاهد مثال از رابطه پنهان بیان می‌گردد:

مصاحبه با الهام ۳۶ ساله کارمند: "..... برای گرفتن دکتری سال‌ها تلاش کردم و الان هم موقعیت خوب کاری و درآمد بالایی دارم، از سن ۲۴ سالگی با خواستگارهایم صحبت می‌کردم، مادرم معمولاً نظر می‌دهند که بیشتر

جنبه راهنمایی دارد، چند ماهی است با آقای دوست هستم ایشون شرایط ازدواج ندارند چون خودشون همسر دارند وقتی می بینم پسری به شدت به خانواده اش وابسته است و توان تصمیم‌گیری برای کارهایش ندارد مسلماً به درد ازدواج نمی خورد "

راهبردها و تعامل‌های راهبردی

عمل و یا تعامل یا کنش و یا کنش متقابل اصطلاحاتی هستند که مابرای اشاره به روش‌های راهبردی و طرز عمل‌های تکراری یا عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم. (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

برای محقق شدن ازدواج کنشگران بر اثر موجبات دست به راهبردهای رفتاری و تکنیک‌هایی زده و به اعمال و شیوه‌هایی مبادرت می‌ورزند و تدابیر و شگردهایی به اقتضای زمینه‌ها و شرایطی که در آن قرار دارند پیش می‌گیرند. کنشگران بر اثر موجبات علی‌دست به راهبردهای رفتاری و تکنیک‌هایی زده و به اعمال و شیوه‌هایی مبادرت می‌ورزند و تدابیر و شگردهایی به اقتضای زمینه‌ها و شرایطی که در آن قرار دارند در پیش می‌گیرند. (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

این راهبردها و استراتژی‌ها در ۴ مقوله طبقه‌بندی می‌شود: وجود عشق و تعلق خاطر، اطمینان بخشی در ازدواج، یاد گرفتن ارتباطات موثر با همسر آینده، ارتقا مهارت‌های ارتباطی

شاهد مثال زیر به عدم اطمینان برای رسیدن به ازدواج، نداشتن مهارت‌های ارتباطی اشاره دارد؛

مصاحبه با فاطمه ۵۸ ساله: "خواهر و برادرانم همگی ازدواج کرده‌اند، من از سن ۲۲ سالگی مستقل بودم.

پدر و مادرم فوت شده‌اند. در حال حاضر چند ماهی است که با آقای در ارتباط هستم اما می‌ترسم ازدواج کنم. مشکل اینکه تا این سن ازدواج نکردم وسواس تمیزی شدید بود که داشتم خواهرانم نیز تجربیاتشان را در اختیار من می‌گذاشتند و باعث می‌شد من سخت‌گیر تر شوم. خبر هر چه سنم بالا می‌رفت به پدر و مادرم بیشتر وابسته میشدم آنها هم بیشتر به من وابسته به فکر ازدواج بودم چون هر ماه با حقوقم جهازم را تکمیل می‌کردم هر چه سنم بالاتر می‌رفت سخت‌گیر تر از قبل برای ازدواج می‌شدم وقتی پدرم فوت شدند از فکر ازدواج آمدم بیرون الان هر دو فوت شده‌اند متأسفانه در ادامه ارتباط با این آقا هم مشکل دارم خاطر تنهایی زیاد تصمیم دارم حالا که این موقعیت پیش آمده از سخت‌گیری‌هایم کم کنم اما بر سر مسائل مالی به توافق نمی‌رسیم از طلاق در این سن بسیار می‌ترسم هرچه هم از مدت‌آشنایی مان بیشتر سپری می‌شود تنش‌ها و اتفاقات تازه‌تری در رابطه مان بوجود می‌آید."

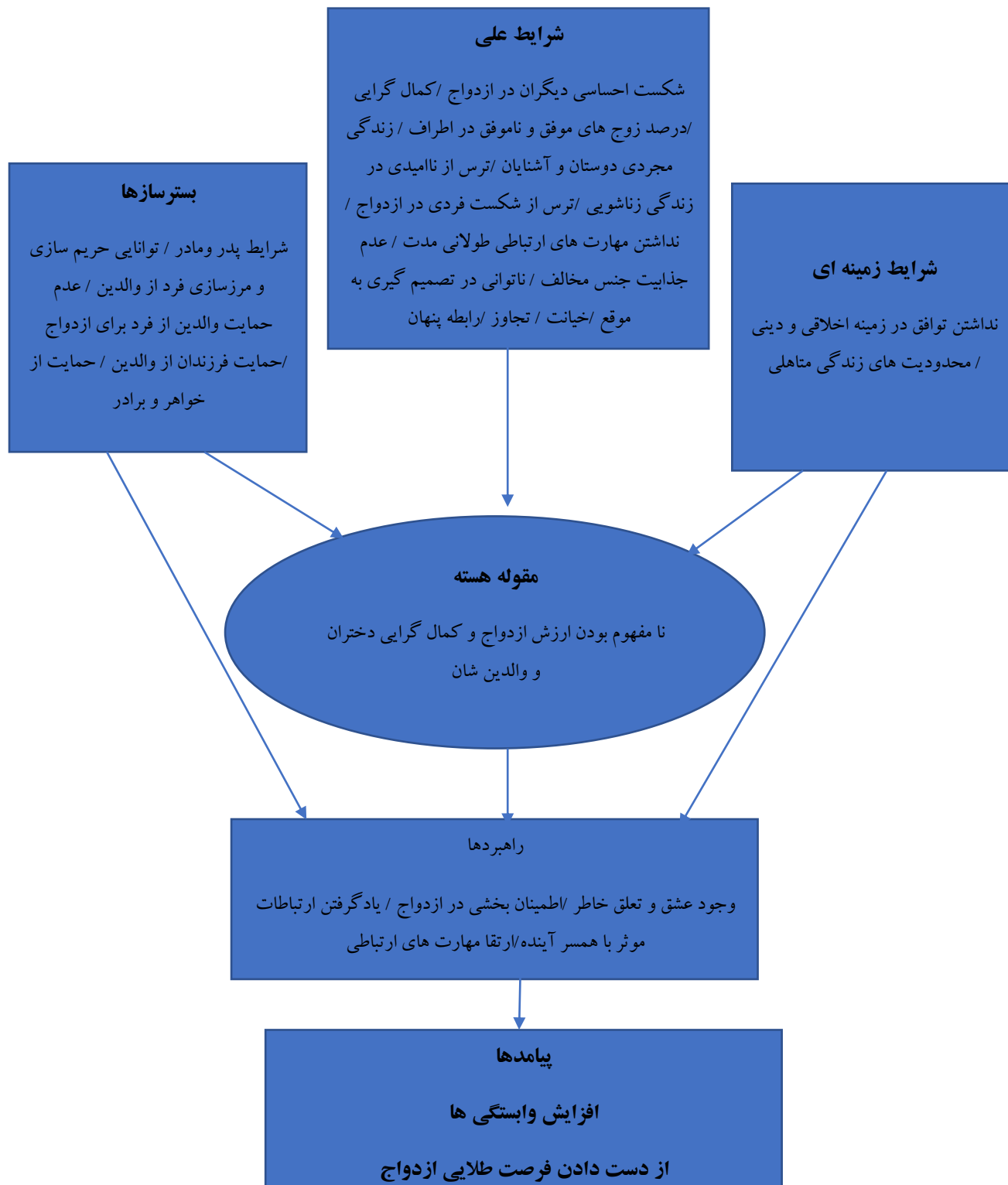
پیامدها

نتایج علل و راهبردهای اتخاذ شده منجر به پیامدهایی می‌شود که در پژوهش حاضر، این پیامدها به شرایطی اشاره دارند که فرد به دلیل ترس از ازدواج و تلاش برای غلبه بر آن، در زندگی خود تجربه می‌کند. در واقع، پیامدها ناشی از علل و راهبردهای انتخاب‌شده در خصوص ترس از ازدواج هستند. تصمیم‌گیری در مورد ازدواج بستگی به رشد همه‌جانبه فرد دارد تا با درک صحیح از کارکردها و فواید ازدواج، بتواند زندگی زناشویی موفق و رضایتمندانه‌ای را بنا نهد. با توجه به نقش فرهنگ و اعتقادات مذهبی در کشور و پابندی جامعه به آداب و رسوم، به ویژه در زمینه ازدواج، شاهد آشفتگی‌هایی همچون طلاق، طلاق عاطفی، ازدواج سفید، خیانت، افزایش سن ازدواج و... هستیم که الگوی ازدواج را تغییر داده است. همچنین، دوری از ازدواج و زندگی مجردی پیامدهایی در زندگی افراد به دنبال دارد.

مخاطبینی که بالای ۴۰ سال سن داشتند، ترس از تنهایی را مطرح کرده و وابستگی شدید به اعضای خانواده مانند خواهر یا برادر و برادرزاده یا خواهرزاده را تجربه کرده‌اند. افراد زندگی مجردی در این پژوهش به چهار دسته تقسیم می‌شوند: بی‌قاعدگی اخلاقی، افسردگی، از دست دادن فرصت طلایی ازدواج، و افزایش وابستگی. به عنوان مثال، یکی از افراد که فرصت طلایی ازدواج را از دست داده است، وابستگی شدید به خانواده خود دارد.

مصاحبه با طیب ۴۵ ساله: "من از سن ۲۵ سالگی مستقل بوده‌ام. توانایی مالی خوبی دارم. از سن ۲۰ سالگی خواستگاران خوبی داشته‌ام و بسیار سخت‌گیری می‌کرده‌ام. مشکل اینجا بود که با هیچ یک از خواستگارانم به توافق نمی‌رسیدم یا اصلاً از ابتدا آن‌ها را نمی‌پسندیدم، اولین معیار برایم ظاهر قابل قبول بوده. سطح فرهنگ، میزان وابستگی مالی و عاطفی پسر به خانواده تعداد کمی از خواستگارانم از این دو معیار عبور می‌کردند. شاید با ۴ نفر از خواستگارانم صحبت به اینجا رسید که با هم توافق اخلاقی داریم. در مرحله آشنایی به هم می‌خورد. چون شهرضا یک محیط سنتی دارد بعد از هر خواستگاری ما یک تنش را در خانواده داشتیم. من به خواهرانم خیلی وابستگی دارم. قبول دارم که دوران طلایی ازدواج را از دست داده‌ام. اما نمی‌توانم بی‌گدار به آب بزنم. من از نظر اقتصادی تامین هستم. تفریحی و سرگرمی هم با دوستان و خانواده‌ام خوشم. هیچ تعهد و مسئولیتی هم در زندگی ندارم. چند سال دیگه بازنشسته می‌شوم و دلواپس تنهایی‌ام هستم. خواهر کوچکتر از خودم دارم دوست دارم که سر و سامان بگیرد اما متأسفانه فکر غلط پدر و مادرم او را از ازدواج دور کرد. از اینکه خواهرم قربانی من شده بسیار ناراحتم. از نظر مالی خیلی هوای خواهر کوچکترم را دارم. وابستگی به پرنده‌ام دارم و عاشق گل‌هایم. خواهر زاده‌هایم بسیار وابسته‌ام....."

الگوی پارادایمی ترس از ازدواج در بین دختران



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد استقرایی و روش گراند تئوری به تحلیل ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج در میان دختران مجرد شهرستان شهرضا پرداخته است. از آنجایی که در این تحقیق، فرآیند داده‌کاوی به صورت استقرایی و از پایین به بالا انجام گرفت، یافته‌ها به طور مستقیم از تجربیات، احساسات و نگرش‌های دختران استخراج شدند و به این ترتیب، تئوری‌ها و مدل مفهومی تحقیق از داده‌های واقعی و نه از پیش فرض‌ها شکل گرفت. تحقیق حاضر به طور خاص به بررسی تأثیرات ترومای اجتماعی و فرهنگی و ترس از ازدواج در دختران پرداخته است. با استفاده از رویکردهای جامعه‌شناختی، این مطالعه نشان می‌دهد که ترس از ازدواج نه تنها نتیجه عواملی فردی و روان‌شناختی، بلکه متأثر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که در جوامع مختلف شکل گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن هستند که عوامل اجتماعی و فرهنگی به ویژه فشارهای خانواده و انتظارات فرهنگی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر تصمیم‌گیری و نگرش دختران به ازدواج داشته باشند.

بر اساس نتایج این پژوهش، ترس از ازدواج در میان دختران شهرستان شهرضا تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای قرار دارد. در بخش شرایط علی، عواملی چون شکست‌های احساسی دیگران در ازدواج، کمال‌گرایی، و درصد بالای زوج‌های موفق و ناموفق در اطراف، موجب ایجاد نگرانی‌های جدی در مورد آینده زندگی زناشویی و ازدواج می‌شود. این عوامل به ویژه زمانی تقویت می‌شوند که دختران شاهد زندگی مجردی دوستان و آشنایان یا تجارب منفی مانند خیانت و تجاوز بوده و یا مهارت‌های ارتباطی لازم برای تعامل طولانی مدت با جنس مخالف را نداشته باشند.

در شرایط زمینه‌ای، فقدان توافقات اخلاقی و دینی میان دختران و والدین، و همچنین محدودیت‌های موجود در زندگی متأهلی به عنوان موانعی اجتماعی و فرهنگی در مسیر ازدواج شناخته شدند. این عوامل، به ویژه هنگامی که همراه با مشکلات پشتیبانی اجتماعی و خانوادگی نظیر عدم حمایت والدین یا فشارهای اجتماعی باشند، می‌توانند باعث تشدید ترس از ازدواج در دختران شوند.

مقوله هسته‌ای در این تحقیق "نا مفهوم بودن ارزش ازدواج و کمال‌گرایی در دختران و والدین آن‌ها" معرفی شده است. این مقوله نشان‌دهنده یک تضاد داخلی و فرهنگی است که از یک سو ازدواج را به عنوان یک انتخاب ارزشمند می‌شمارد، و از سوی دیگر به دلیل ایده‌آل‌گرایی و نگرش‌های کمال‌گرایانه به آن به عنوان یک خطر و تهدید نگاه می‌کند.

در نهایت، در بخش راهبردها، برای کاهش ترس از ازدواج و ارتقای توانمندی‌های فردی و اجتماعی دختران، پیشنهادهایی مانند ایجاد عشق و تعلق خاطر، اطمینان‌بخشی در مورد انتخاب همسر، یادگیری ارتباطات مؤثر و ارتقاء

مهارت‌های ارتباطی مطرح گردید. این راهبردها می‌توانند به‌طور مؤثری به کاهش ترس‌های اجتماعی و فردی در مورد ازدواج کمک کنند.

در پیامدها، این پژوهش نشان داد که ترس از ازدواج می‌تواند به پیامدهای منفی مانند افزایش وابستگی‌ها، از دست دادن فرصت‌های طلایی ازدواج و در نهایت ایجاد مشکلات اجتماعی و روانی برای دختران منجر شود.

در مجموع، این تحقیق با رویکرد استقرایی و روش گراند تئوری توانسته است به درک بهتری از ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج دست یابد و توصیه‌هایی کاربردی برای بهبود وضعیت اجتماعی و روانی دختران مجرد در شهرستان شهرضا ارائه کند.

پیشنهادهای

۱- آموزش و ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری در نوجوانان و جوانان: از منظر جامعه‌شناسی، یکی از علل اصلی ترس از ازدواج، نداشتن مهارت‌های ارتباطی موثر و توانایی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های حساس است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها برای جوانان برگزار شود. این برنامه‌ها می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های حل مسئله، مدیریت استرس، و ایجاد ارتباطات مثبت و مؤثر با جنس مخالف باشد. همچنین، این آموزش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر تقویت مهارت‌های فردی، تأکید بر جنبه‌های اجتماعی ازدواج و روابط طولانی‌مدت نیز داشته باشند.

۲- تقویت حمایت اجتماعی و خانوادگی: یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر ترس از ازدواج تأثیر بگذارد، نوع حمایت اجتماعی و خانوادگی است. از منظر جامعه‌شناسی، حمایت و پشتیبانی والدین و نزدیکان در تصمیمات ازدواج می‌تواند به کاهش ترس‌های فردی کمک کند. پیشنهاد می‌شود که دولت و نهادهای اجتماعی برنامه‌هایی برای تقویت روابط خانوادگی و ارتباطات سالم میان والدین و فرزندان طراحی کنند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل مشاوره‌های خانوادگی، افزایش آگاهی والدین در مورد چالش‌های ازدواج و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر بین والدین و فرزندان باشد.

۳- اصلاح نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی درباره ازدواج: در بسیاری از جوامع، نگرش‌های کمال‌گرایانه و معیارهای سخت‌گیرانه در مورد ازدواج می‌تواند باعث ایجاد ترس و تردید در بین جوانان شود. از منظر جامعه‌شناسی، تغییر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی به ازدواج و نهاد خانواده می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش ترس از ازدواج داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و سازمان‌های غیر دولتی در جهت اصلاح نگرش‌ها و آگاهی‌رسانی عمومی در مورد واقعیت‌های ازدواج، چالش‌های آن و همچنین ارزش‌های انسانی و اجتماعی این نهاد تلاش کنند.

همچنین، باید به جوانان آموخته شود که ازدواج یک فرآیند مشترک است و هر فرد باید آماده مواجهه با واقعیت‌های آن باشد نه بر اساس تصورات غیرواقعی

منابع

- احمدی، فائزه (۱۴۰۲) رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج. کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۴). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۴، چاپ قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی ترجمه ابراهیم افشار. نشر نی
- (مجله همشهری، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱)
- حبیب پورکتابی، اکرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) علل افزایش سن ازدواج زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ۷ تا ۳۴
- خلیلی، زهرا. (۱۴۰۱). آینده پژوهی وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران در افق چشم‌انداز توسعه ۱۴۲۰ با تاکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی. دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی
- ریتزر، جرج (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم طلعت الهیاری، تهران: دانه
- راه‌رخشان، محمد (۱۳۷۲) ترس از دیدگاه روانکاوی و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان، هامبورگ: داندلود الکترونیکی کتاب سبز صص ۱_۲۵
- شلاپنتوخ، ولادیمیر (۱۳۹۵) نظم اجتماعی در جامعه معاصر: آثار منفی و مثبت ترس، ترجمه اصغر صارمی شهاب، تهران، جامعه‌شناسان
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۴) بررسی برخی از عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، ج ۲، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت ناجا
- فتحی‌آشتیانی، علی احمدی، خدابخش (۱۳۷۸) بررسی عوامل محدودکننده و موانع موجود در ازدواج دانشجویان، مجله روان‌شناسی، سال سوم: شماره ۲ صفحات ۹۴ تا ۱۶۱
- فخرائی، سیروس (۱۳۸۸) تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر، دانشگاه پیام‌نور، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی

-محمودیان، حسین (۱۳۸۳) سن ازدواج در حال افزایش بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۸۵ تا ۶۹

-بناری‌زاده، مسعود (۱۴۰۳) کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه: مورد مطالعه مردان مجرد

شهر اهواز. دکتری. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

-سازمان برنامه و بودجه کشور، برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، معاونت هماهنگی برنامه و بودجه
۱۳۹۹:

- سینا خبر

-Amrin Amrin, State Islamic University Syarif Hidayatullah Jakarta, State Islamic

University Syarif Hidayatullah Jakarta, Adi Priyono,, State Islamic University Raden Mas Said Surakarta Supriyanto Supriyanto ,College of Teacher Training and Education Bim ,Vol. 11 No. 4 (2022): October: Law Science and Field, National and International Criminal Law

-Author links open overlay panel Gillian Parker 1, Kristina M. Durante 2, Sarah E. Hill 3, Martie G. Haselton, (2022) Why women choose divorce: An evolutionary perspective, Current Opinion in Psychology, Volume 43, February 2022, Pages 300-306

- Ren, J. (2022). Analysis of the psychological factors of contemporary youth's fear of marriage in China. International Journal of Frontiers in Sociology, 4(13), 31-34. <https://doi.org/10.25236/IJFS.2022.041305>.

-Jeffrey c .A lexander (2012) TRAUMA A Social Theory , Polity Press 65 Bridge Street ,Cambridge CB2 1UR, UK ,Polity Press, 350 Main Street, Malden, MA 02148, USA

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Vol. 18, No. 1, Serial No. 2, Spring 2025

Received: 06 February, 2025 | Accepted: July 16, 2025

pp. 1–23

Title:

Exploring the Formation of Social and Cultural Trauma Related to Fear of Marriage Among Young Women Using Grounded Theory: A Case Study of Shahreza County

Authors:

Samaneh Shadmand¹, Seyed Ali Hashemianfar², Saeed Aghasi³

¹ PhD Candidate in Sociology, Islamic Azad University Dehaghan Branch,, Isfahan, Iran

² Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Iran

³ Assistant Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract:

This study, employing the Grounded Theory approach based on the Glaser and Strauss method, investigates the socio-cultural trauma and fear of marriage among single women in Shahreza County. Data were collected through observations, interviews, and document analysis, and were examined using the three-phase coding process (open, axial, and selective coding). After data collection, data classification and organization were carried out, and the categories were structured according to the central research questions. Eventually, the resulting theory was articulated in a relational model.

The findings reveal that fear of marriage is shaped by factors such as witnessing emotional failures in others, perfectionism, cultural expectations, and social and familial pressures. The core category identified in the study is "the ambiguity of the value of marriage and perfectionism," which generates conflicting perceptions and reinforces the fear of marriage. The study also proposes practical strategies to reduce such fears and enhance the individual and social skills of young women in order to prevent the adverse consequences associated with this fear.

Keywords: Trauma, Marriage, Fear, Social Factors, Cultural Conditions

² Corresponding Author:

Email: samaneh.shadmand@iau.ir

تحلیل جامعه شناختی ترس از در حاشیه ماندن در زیست جهان دیجیتال:

(مدل سازی ساختاری تأثیرات اجتماعی و روان شناختی رسانه های اجتماعی شهر اهواز بر کاربران)

نرگس درویشی*^۱، سمیرا حیدری اصل^۲، نسرين درویشی^۳

۱- گروه مدیریت، واحد امیدیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه، ایران.

۲- دانش آموخته دکترای جامعه شناسی، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه آزاد دهاقان، اصفهان، ایران.

۳- دبیر آموزش و پرورش اهواز، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر، در راستای کاوشی عمیق و روشمند، به تحلیل جامعه‌شناختی پدیده ترس از در حاشیه ماندن (FoMO) در زیست جهان دیجیتال کاربران رسانه‌های اجتماعی شهر اهواز می‌پردازد. این مطالعه، با بهره‌مندی از تئوری‌های سترگ؛ مقایسه اجتماعی، سلسله‌مراتب نیازها، خودتعیین‌گری و سرمایه اجتماعی، زمینه‌ای استوار برای تبیین این تجربه نوپدید در سپهر دیجیتال فراهم آورده و فرضیاتی دقیق و منسجم از درون این دیدگاه‌ها استخراج نموده است. این تحقیق، در قالبی پیمایشی و با تکیه بر پرسشنامه‌ای سنجیده و برخوردار از اعتبار علمی، به گردآوری داده‌ها پرداخته است. جامعه آماری، تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز را در برمی‌گیرد که مطابق با آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، تعداد آن‌ها ۱۲۰۰۰۰ نفر بوده است و حجم نمونه، با بهره‌گیری از ابزار پیشرفته Sample Power و به منظور اجرای آزمون همبستگی پیرسون، ۴۵۹ نفر تعیین گردیده است. داده‌ها در سال ۱۴۰۲، از طریق روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و با التزامی بی‌وقفه به اصول علمی گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد میان متغیرهایی چون احساس انزوای اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، رضایت از زندگی، جنس، سن و وضعیت اشتغال با متغیر فومو، پیوندهای معنادار وجود دارد. بخش ساختاری مدل حاکی از آن است که عواملی چون متغیر مشارکت در رسانه‌های اجتماعی با دارا بودن ضریب (۰/۷۱) و رضایت از زندگی با دارا بودن ضریب (۰/۲۱-) و احساس محرومیت نسبی با دارا بودن ضریب (۰/۱۷) دارای همبستگی بیشتری با سازه فومو هستند. در مقابل، متغیر احساس انزوای اجتماعی با دارا بودن ضریب (۰/۱۳) دارای همبستگی کمتری با سازه فومو می‌باشد. این یافته‌ها، نه تنها بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های پنهان در زیست جهان دیجیتالند، بلکه بر ضرورت بازاندیشی عمیق در تجربه زیسته کاربران در مواجهه با پویایی‌های اجتماعی عصر دیجیتال تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: فومو، رسانه‌های اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس انزوای اجتماعی، احساس محرومیت نسبی

طرح مسأله

در سپهری که زیست‌جهان انسان معاصر، تحت تأثیر شگرف فن‌آوری‌های دیجیتال بازسازی شده، رسانه‌های اجتماعی، دیگر صرفاً ابزار ارتباط نیستند، بلکه به عرصه‌هایی برای بازتعریف هویت و تعاملات اجتماعی بدل گشته‌اند و بستری برای ظهور پدیده‌های نوین روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، از جمله ترس از جا ماندن (فومو)، فراهم آورده‌اند. این پدیده، که در گفتمان علمی جهانی با عنوان "Fear of Missing Out" (FoMO) شناخته می‌شود، به اضطراب و هراسی اشاره دارد که افراد از احتمال محرومیت از تجربه‌ها، فرصت‌ها یا رویدادهای ارزشمند اجتماعی در قلمرو دیجیتال احساس می‌کنند؛ حالتی که در این زیست‌جهان نوین، با دسترسی بی‌وقفه به بازنمایی‌های گزینش‌شده و آرمانی از زندگی دیگران، ابعادی پیچیده و چندلایه یافته است (پرزبیلسکی و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۱۸۴۱). فومو، که هم تجربه‌ای عاطفی در سطح فردی است و هم شاخصی برای سنجش جایگاه اجتماعی در سپهر دیجیتال، فراتر از یک مسأله روان‌شناختی، به سازه‌ای جامعه‌شناختی تبدیل شده که الگوهای کنشگری، پیوندهای اجتماعی و کیفیت زیست‌کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، در حالی که این پدیده در سطح جهانی مورد کاوش‌های گسترده قرار گرفته، تحلیل ساختاری و بومی آن در جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران و شهر اهواز با ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی متمایز، به‌گونه‌ای تأسف‌بار مغفول مانده است. این غفلت، شکافی آشکار در دانش جامعه‌شناسی ارتباطات پدید آورده و ضرورت بازنگری انتقادی این پدیده را در بافت‌های محلی برجسته می‌سازد؛ ضرورتی که این پژوهش با رویکردی ساختاری و در ترازای شایسته درصد پاسخگویی به آن است. این مطالعه، فومو را سازه‌ای چندساحتی می‌داند که در تلاقی جامعه‌شناسی دیجیتال و روان‌شناسی اجتماعی شکل می‌گیرد. این پدیده، ریشه در ادراک محرومیت از تجربه‌های اجتماعی و فشار ناشی از قیاس مداوم با دیگران دارد و در زیست‌جهان دیجیتال، جایی که پلتفرم‌هایی چون اینستاگرام و تلگرام، فضاهایی برای بازتولید هویت و کنش‌های اجتماعی‌اند، ابعادی متمایز و تشدیدشده می‌یابد.

فومو نه تنها اضطرابی درونی را هنگام غیاب از رخداد‌های به‌ظاهر ارزشمند برمی‌انگیزد، بلکه به‌عنوان نیرویی اجتماعی، رفتارهای دیجیتال کاربران، از جمله حضور افراطی در رسانه‌ها و انزوای ناشی از قیاس‌های نابرابر را بازسازی می‌کند (شین و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳).

در ایران، رسانه‌های اجتماعی به ابزاری برای جبران خلأ‌های اجتماعی، تأیید هویت و بازنمایی خود تبدیل شده‌اند و فومو در این بستر، با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص درهم تنیده شده است.

زیست‌جهان دیجیتال، با بازتعریف کنش‌های اجتماعی از طریق این پلتفرم‌ها، فضایی چندلایه برای تکوین این پدیده ایجاد کرده که با نمایش تصاویر آرمانی از زندگی دیگران، کاربران را در چرخه‌ای از قیاس اجتماعی، محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی و کاهش خشنودی از زندگی گرفتار می‌سازد (کوهن، ۲۰۰۸: ۳۲۱؛ دینر و همکاران، ۱۹۸۵: ۷۱). نفوذ سریع رسانه‌های اجتماعی در میان جوانان و ساکنان کلان‌شهرهای ایران، این مسأله را به چالشی برجسته بدل کرده که بدون تحلیل ساختاری، فهم پیامدهای آن در سطوح محلی و جهانی ناقص خواهد ماند. هدف این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی ترس از جا ماندن (فومو) در زیست‌جهان دیجیتال کاربران رسانه‌های اجتماعی شهر اهواز است که با رویکردی ساختاری و بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) دنبال می‌شود. این مطالعه با بررسی روابط میان متغیرهای کلیدی چون انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی، مشارکت در رسانه‌ها و رضایت از زندگی، الگویی جامع ارائه می‌دهد که نه تنها چگونگی تکوین این پدیده را در بافتی بومی روشن می‌سازد، بلکه تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن را بر کاربران، به‌صورتی نظام‌مند تبیین می‌کند. این پژوهش، فراتر از توصیف‌های سطحی، در پی خلق دانشی نو و انتقادی است که شکاف‌های موجود را پر کرده و بنیانی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و مداخلات روان‌شناختی فراهم آورد. این هدف، پاسخ به نیازی مبرم برای فهم عمیق‌تر پدیده‌های دیجیتال در جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران است؛ جایی که رسانه‌های اجتماعی، فراتر از کارکردهای ارتباطی، به فضاهایی برای بازسازی هویت و جبران خلأهای زیست واقعی تبدیل شده‌اند.

انتخاب اهواز به‌عنوان حوزه مطالعه، بر ویژگی‌های یگانه فرهنگی، جمعیتی و اجتماعی آن استوار است. این کلان‌شهر در جنوب غربی ایران، با تنوع قومیتی، جوانی جمعیت و دسترسی گسترده به فناوری‌های دیجیتال، بستری متمایز برای کاوش این پدیده فراهم می‌آورد. اهواز، به‌واسطه موقعیت جغرافیایی و بافت اجتماعی پویا، جمعیتی را در خود جای داده که به‌طور خاص به رسانه‌های اجتماعی برای تعاملات اجتماعی و بازنمایی هویت وابسته‌اند. جوانان این شهر، که بخش عمده کاربران این رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند، به‌دلیل ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی، از این رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت پیوندهای اجتماعی و ارتقای جایگاه خویش بهره می‌جویند. این ویژگی‌ها، اهواز را به کانونی بومی برای مطالعه فومو بدل می‌سازد؛ کانونی که غفلت از تحلیل آن، درک این پدیده را در جوامع مشابه ناقص می‌گذارد. اهمیت و ضرورت این پژوهش، هم از منظر علمی و هم از منظر عملی، غیرقابل انکار است. از منظر علمی، فومو به‌عنوان سازه‌ای چندساختی که بر سلامت روان و الگوهای تعامل اجتماعی اثر می‌گذارد، شایسته بررسی‌هایی است که از توصیف فراتر رفته و روابط ساختاری میان متغیرها را کاوش کند.

این پدیده، با پیوندهایش به انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی و کاهش رضایت از زندگی، فهمی عمیق‌تر می‌طلبد که به غنای دانش جهانی در جامعه‌شناسی ارتباطات و دیجیتال یاری رساند. از منظر عملی،

پیامدهای این پدیده در بافت اهواز، به‌عنوان کلان‌شهری پویا و چندفرهنگی، بر الگوهای تعامل اجتماعی و کیفیت زیست ساکنان اثرگذار است؛ پیامدهایی که بدون تحلیل دقیق، از دید سیاست‌گذاران و متخصصان پنهان می‌ماند. این پژوهش همچنین به بومی‌سازی دانش جهانی نیاز دارد؛ چراکه فومو، هرچند در جوامع غربی شناخته‌شده است، در جوامع در حال توسعه مانند ایران، با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متمایز، نیازمند بازنگری است تا الگویی متناسب با این بافت‌ها ارائه شود. غفلت از این ضرورت، نه تنها شکافی در دانش محلی ایجاد می‌کند، بلکه ظرفیت مداخلات مؤثر را محدود می‌سازد. خلأیی آشکار در شناخت جامعه‌شناختی این پدیده در زیست‌جهان دیجیتال کاربران ایرانی، به‌ویژه در اهواز، این پژوهش را به چالشی حیاتی بدل کرده است. مسأله اصلی این مطالعه، تبیین چگونگی تکوین فومو در زیست‌جهان دیجیتال کاربران رسانه‌های اجتماعی اهواز و بررسی تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن بر ایشان است. پرسش‌های مشخص پژوهش عبارتند از:

- آیا انزوای اجتماعی، به‌معنای گسست از پیوندهای معنادار، با فومو رابطه‌ای مثبت دارد؟ آیا محرومیت نسبی، به‌معنای ادراک نابرابری در قیاس با دیگران، این پدیده را تشدید می‌کند؟
 - آیا مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، به‌معنای کنش‌های فعال و منفعل در سپهر دیجیتال، با فومو هم‌بستگی دارد؟
 - آیا رضایت از زندگی، به‌معنای ارزیابی ذهنی کیفیت زیست، با فومو رابطه‌ای معکوس دارد؟
 - چگونه متغیرهای دموگرافیک، شامل سن، جنس و وضعیت اشتغال، این روابط را تعدیل می‌کنند؟
- این پژوهش با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) روشی پیشرو در تحلیل روابط پیچیده علوم اجتماعی، الگویی جامع و بومی ارائه می‌دهد که پاسخ‌هایی روشن و مستدل به این پرسش‌ها فراهم می‌آورد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین احساس انزوای اجتماعی کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین رضایت از زندگی کاربران و فومو رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین سن، جنس و وضعیت اشتغال کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.

چشم‌انداز نظری

در جهان معاصر که تحت سیطره فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی قرار گرفته است، تجربه زیسته افراد از مناسبات اجتماعی، هویت‌یابی و تعاملات میان‌فردی به نحو بنیادینی دگرگون شده است. فضای دیجیتال، که به تعبیر لوفور (۱۹۹۱) گونه‌ای از «فضای بازنمایی‌شده» را خلق می‌کند، نه تنها بستری برای بازتولید روابط اجتماعی سنتی است، بلکه خود صورتی نوین از واقعیت را شکل می‌دهد که در آن بازنمایی از امر واقع، گاه اهمیت بیشتری نسبت به خود واقعیت می‌یابد. در این بافتار، فومو (-احساس ترس از دست دادن)، به عنوان پدیده‌ای برآمده از تعاملات دیجیتال، دلالت بر اضطرابی دارد که ناشی از تصور عدم مشارکت در تجارب ارزشمند اجتماعی است. این احساس که به واسطه رسانه‌های اجتماعی تشدید می‌شود، امری صرفاً روان‌شناختی نبوده، بلکه دارای ابعاد جامعه‌شناختی ژرفی است که در پرتو نظریه‌های مدرن و متأخر جامعه‌شناسی قابل بررسی است.

نظریه مقایسه اجتماعی لئون فستینگر^۲ (۱۹۴۵)

در نظریه مقایسه اجتماعی معتقد است که افراد همواره خود را در قیاس با دیگران مورد سنجش قرار می‌دهند تا بتوانند جایگاه اجتماعی، توانایی‌ها و ارزش‌های خود را ارزیابی کنند. این فرایند مقایسه‌ای می‌تواند صعودی (مقایسه خود با افرادی که از موقعیت برتری برخوردارند) یا نزولی (مقایسه با افرادی که در وضعیت فروتری قرار دارند) باشد. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، بستری برای بازتولید مقایسه‌های صعودی فراهم می‌کنند، چرا که کاربران عموماً بخش‌های مطلوب و گزینشی از زندگی خود را به نمایش می‌گذارند، در حالی که واقعیت زیسته آنان ممکن است پیچیده‌تر و گاه دشوارتر از آن باشد که در قاب‌های تصویری و متون شبکه‌های اجتماعی انعکاس می‌یابد. از این رو، این مقایسه‌های نابرابر، احساس نارضایتی را در کاربران تشدید کرده و آنان را به سمت تجربه‌ای از فومو سوق می‌دهد، زیرا همواره تصور می‌کنند که «دیگری» در حال تجربه‌ای برتر است (جود، ۲۰۱۹).

نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو^۳ (۱۹۴۳)

براساس نظریه مازلو، نیازهای انسانی در پنج سطح دسته‌بندی می‌شوند: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، تعلق و محبت، احترام و خودتحقق‌بخشی. در این میان، نیاز به تعلق، از جایگاهی کلیدی برخوردار است، زیرا افراد برای احساس امنیت روانی و اجتماعی خود، همواره در پی پیوند با گروه‌ها و اجتماع‌های انسانی‌اند. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهایی برای تحقق این نیاز عمل می‌کنند؛ اما در عین حال، ماهیت الگوریتمی این رسانه‌ها، که توجه کاربران را به محتوای خاصی جلب می‌کند، می‌تواند موجب شود که فرد تصور کند از چرخه تعاملات اجتماعی حذف شده یا فرصت‌های ارزشمندی را از دست داده است. در این راستا، احساس فومو می‌تواند نه تنها اضطراب فردی، بلکه نوعی سرخوردگی اجتماعی را در پی داشته باشد؛ زیرا کاربران ممکن است گمان کنند که برای حفظ موقعیت خود در گروه‌های اجتماعی، باید به‌طور مداوم در جریان فعالیت‌های دیگران قرار داشته باشند (مازلو، ۱۳۷۶).

^۲ Social Comparison Theory (Festinger)

^۳ Hierarchy of Needs Theory (Maslow)

نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان^۴ (۱۹۸۵)

در نظریه خودتعیین‌گری، بر سه نیاز اساسی روان‌شناختی تأکید دارند: خودمختاری، شایستگی و ارتباط. در این میان، نیاز به ارتباط، که دلالت بر احساس پیوند معنادار با دیگران دارد، به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی تعامل در رسانه‌های اجتماعی شناخته می‌شود. هنگامی که این نیاز در فضای واقعی به‌درستی برآورده نمی‌شود، افراد به رسانه‌های اجتماعی پناه می‌برند تا این خلأ را پر کنند. با این حال، پارادوکس فومو در اینجا است که هرچه فرد بیشتر درگیر رسانه‌های اجتماعی می‌شود، احتمال افزایش اضطراب ناشی از «جا ماندن» از تجربیات جمعی بیشتر می‌شود. این وضعیت، نوعی خودنظارتی مداوم ایجاد می‌کند که به‌واسطه عدم تحقق نیازهای ارتباطی و تعاملات اجتماعی معنادار، چرخه‌ای از اضطراب و نارضایتی را پدید می‌آورد (جود، ۲۰۱۹).

نظریه سرمایه اجتماعی^۵

سرمایه اجتماعی، مفهومی که پوتنام^۶ (۲۰۰۰) و بوردیو^۷ (۱۹۸۶) بر آن تأکید داشته‌اند، به منابعی اشاره دارد که فرد از طریق شبکه‌های اجتماعی خود به دست می‌آورد، از جمله حمایت اجتماعی، اطلاعات و فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، بستر جدیدی برای انباشت و مبادله سرمایه اجتماعی ایجاد کرده‌اند؛ اما در عین حال، هنگامی که فرد احساس کند که به‌اندازه کافی در این شبکه‌ها فعال نیست یا تعاملات او کمتر از دیگران مورد پذیرش قرار می‌گیرد (مثلاً از طریق تعداد لایک‌ها، اشتراک‌گذاری‌ها یا کامنت‌ها)، ممکن است تصور کند که سرمایه اجتماعی او رو به کاهش است. این احساس می‌تواند در بلندمدت منجر به تقویت فومو شود؛ زیرا فرد برای حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی خود، به حضور مستمر و نظارت دائم بر فعالیت‌های دیگران در رسانه‌های اجتماعی روی می‌آورد.

پدیده فومو در زیست‌جهان دیجیتال را باید در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد. از یک سو رسانه‌های اجتماعی، امکانات بی‌سابقه‌ای برای برقراری ارتباط، مشارکت اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی فراهم کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر این فضاها، بستری برای مقایسه‌های مداوم، بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و تقویت اضطراب اجتماعی شده‌اند.

فومو را می‌توان به مثابه محصولی از این فرایندهای متداخل در نظر گرفت که در آن، فرد همواره در تلاش است تا از «دیگری دیجیتال» عقب نماند. مواجهه انتقادی با این پدیده، مستلزم بازاندیشی در شیوه‌های مصرف رسانه‌های اجتماعی، تقویت تعاملات اجتماعی معنادار و گسترش آگاهی نسبت به ماهیت گزینشی و ساختگی بازنمایی‌های دیجیتال است.

^۴ . Self-Determination Theory (Deci & Ryan)

^۵ . Social Capital Theory

^۶ . Putnam

^۷ . Bourdieu

جدول ۱. استخراج متغیرها از تئوری‌های متفکران

متغیرها	تئوری‌های متفکران
احساس انزوای اجتماعی و فومو	خود تعیین‌گری دسی و رایان * مقایسه اجتماعی فستینگر
احساس محرومیت نسبی و فومو	مقایسه اجتماعی فستینگر * سرمایه اجتماعی پوتنام و بورديو
میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی و فومو	خود تعیین‌گری دسی و رایان * سرمایه اجتماعی پوتنام
رضایت از زندگی	سلسله مراتب نیازهای مازلو
سن، جنس و وضعیت تأهل	تحقیقات پیشین (مطالعات مربوط به تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر فومو)

تعاریف مفاهیم بنیادین پژوهش

برای تبیین دقیق پژوهش حاضر، تعاریف مفاهیم بنیادین آن به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. فومو^۸

ترس از جا ماندن، به عنوان یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی، به نگرانی و اضطراب افراد در مواجهه با احتمال از دست دادن فرصت‌های اجتماعی یا تجربیات منحصر به فرد اطلاق می‌شود. این ترس، به‌ویژه در بستر فضای دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی تشدید می‌شود؛ جایی که افراد به‌طور مداوم در معرض مقایسه‌های اجتماعی و تصاویری از زندگی‌های ایده‌آل دیگران قرار دارند. فومو نه تنها به صورت یک تجربه فردی، بلکه به عنوان معیاری برای سنجش هویت اجتماعی و ارزش فردی در نظر گرفته می‌شود. فومو به صورت پیچیده‌ای با احساسات ناراضی، مقایسه‌های اجتماعی و نیاز به تأیید اجتماعی در ارتباط است (پریزبلسکی^۹ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۸۴۱). احساس انزوای اجتماعی^{۱۰} به معنای تجربه بی‌ارتباطی و فاصله گرفتن فرد از شبکه‌های اجتماعی معنادار و روابط انسانی است. این احساس ممکن است به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباطات عمیق و معنادار با دیگران ایجاد شود. انزوای اجتماعی نه تنها به فقدان روابط فیزیکی و اجتماعی اشاره دارد، بلکه به‌طور ویژه به ناتوانی در ایجاد روابط معنادار و تأثیرگذار در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. در دنیای دیجیتال، انزوای اجتماعی می‌تواند به دلیل عمق سطحی ارتباطات آنلاین و فقدان تعاملات واقعی تقویت شود، که به‌ویژه در معرض احساس فومو قرار می‌گیرد (شین و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳).

۲. احساس محرومیت نسبی^{۱۱}

محرومیت نسبی به احساسات ناراضی و ناامیدی ناشی از مقایسه فرد با دیگران و ناتوانی در دستیابی به منابع یا فرصت‌های مشابه اشاره دارد. این پدیده به‌ویژه زمانی در بستر رسانه‌های اجتماعی شدت می‌یابد که افراد زندگی‌های ایده‌آل و موفق دیگران را مشاهده می‌کنند و خود را در موقعیت کم‌تری در مقایسه با دیگران می‌یابند. به‌طور ویژه

^۸ . Fear of Missing Out - FOMO

^۹ . Przybylski

^{۱۰} . Perceived Social Isolation

^{۱۱} . Perceived Relative Deprivation

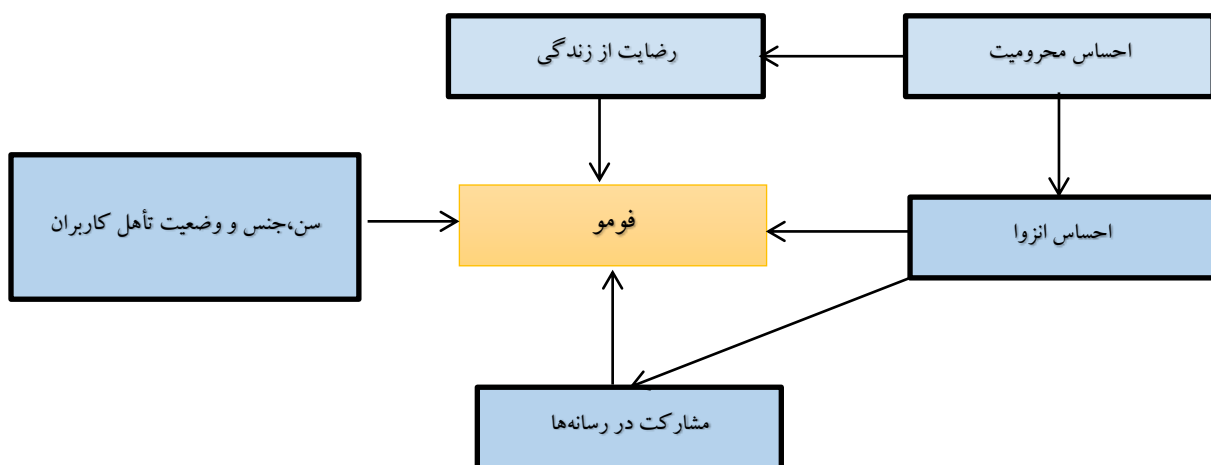
این نوع محرومیت ناشی از اختلاف میان انتظارات فرد و واقعیت‌های موجود در زندگی اجتماعی اوست (کوهن، ۲۰۰۸: ۳۲۱). محرومیت نسبی می‌تواند به ایجاد احساس فومو و اضطراب اجتماعی منجر شود؛ به‌ویژه هنگامی که فرد احساس کند فرصت‌های اجتماعی و ارتباطات مهم را از دست داده است.

۳. میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی^{۱۲}

میزان مشارکت در رسانه‌های اجتماعی به مقدار و نوع فعالیت‌های فرد در پلتفرم‌های دیجیتال اطلاق می‌شود که شامل تولید محتوا، تعامل با دیگران از طریق لایک‌ها، کامنت‌ها، و اشتراک‌گذاری‌هاست. میزان مشارکت می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی متعددی از جمله تقویت هویت فردی و اجتماعی، افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی به همراه داشته باشد (پرستی و شوارد، ۲۰۱۸: ۴۵). در عین حال، این مشارکت می‌تواند به احساس فومو منجر شود؛ زیرا افراد به‌طور مداوم خود را در معرض مقایسه‌های اجتماعی و رقابت‌های دیجیتال قرار می‌دهند.

۴. رضایت از زندگی^{۱۳}

رضایت از زندگی، به‌عنوان ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی خود در نظر گرفته می‌شود که از طریق مقایسه میان خواسته‌ها و دستاوردهای واقعی آن‌چه که فرد در زندگی خود تجربه می‌کند، تعریف می‌شود (هایلی و کنی، ۲۰۱۹: ۶۷). طبق این نظر، رضایت از زندگی در جهان دیجیتال به‌شدت تحت تأثیر مقایسه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. در این فضا، تجربه‌های دیجیتال و تصویرسازی‌های آنلاین از زندگی‌های ایده‌آل، ممکن است نارضایتی از زندگی واقعی را به‌ویژه در مواجهه با احساس فومو، دچار تغییرات مهمی شود.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

¹² Social Media Engagement Level

¹³ . Life Satisfaction

پیشینه تجربی پژوهش

جدول ۲. پیشینه تجربی

نویسندگان	یافته‌ها
اسدی و شریفی (۱۴۰۱)	نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان تدوین و اعتبارسنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی به بررسی ویژگی‌های روانسنجی سازگاری مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در میان جمعیت نوجوان و جوان ایرانی ۱۶ تا ۲۴ ساله در اردبیل پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن با سه خرده مقیاس فقدان، اجبار و مقایسه و ۱۸ سوال، از لحاظ روانسنجی از پایایی و برازندگی خوبی برخوردار است.
حسینی و همکاران (۱۴۰۱)	نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان هیجان‌های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان به این نتایج دست یافتند که اولین فضای مجازی مورد استفاده نوجوانان مورد مطالعه اینستاگرام بوده است. یافته‌های این مطالعه بیانگر اثر مستقیم هیجان‌های منفی بر ترس از حاشیه ماندن و قربانی قلدری است و ترس از در حاشیه ماندن نیز بر قربانی قلدری سایبری اثر مستقیم دارد.
بایرامی و همکاران (۱۳۹۸)	نویسندگان در اثر پژوهشی خود تحت عنوان بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه به این نتایج دست یافتند که میان زمان صرف شده در رسانه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن و همچنین افسردگی ارتباط معنادار وجود دارد.
جود (۲۰۱۹)	از نظر نویسندگان فومو ترس فراگیری است که زندگی فرد را در بر می‌گیرد و با استفاده از رسانه‌های اجتماعی هم‌تایان تشدید می‌شود. مطالعه‌ای که انجام شده است نشان داده است که ۶۲٪ از پاسخ‌دهندگان از اینکه چیزی ممکن است در جای دیگر اتفاق بیفتد نگرانی دارند. این مطالعه بر اهمیت مطالعه فومو به عنوان مفهومی مهم در کشور آفریقای جنوبی تأکید می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین رضایت از زندگی و فومو انجام شده است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رضایت از زندگی و فومو با هم ارتباط معناداری دارند.
دمپسی ^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۹)	در این تحقیق، محققان به بررسی تأثیر متغیرهایی از جمله اضطراب اجتماعی، میزان استفاده از فیس بوک و همچنین سن و جنس و رضایت از زندگی بر فومو پرداخته‌اند. نتایج مدل ساختاری در این تحقیق نشان داده است که اضطراب اجتماعی و میزان استفاده از فیسبوک و فومو با هم ارتباط معنی دار مثبتی داشته‌اند اما میان رضایت از زندگی و فومو ارتباط معنادار منفی وجود داشته است یعنی هر چه رضایت از زندگی افراد پایین‌تر باشد میزان فومو در آن‌ها بیشتر است و بالعکس.
کارگیل (۲۰۱۹)	نویسنده، به دنبال ایجاد مقیاسی است تا نگرانی افراد را از این که تا چه اندازه تلفن همراه خود را برای از دست ندادن ارتباط خود با دیگران ارزیابی کند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داده است که مقیاس ساخته شده در پنج حوزه بعد اجتماعی، ابعاد عمومی، اخبار، ابعاد کار / مدرسه و ایمنی از نظر قابلیت اطمینان آزمون از سازه‌ی خوبی برخوردار است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که این مقیاس با استفاده از گوشی‌های هوشمند و بررسی مداوم تلفن همراه ارتباط مثبت دارد.

نتایج این پژوهش نشان داده است که زنان و مردان در سطح فومو تفاوت معناداری دارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدت‌زمان در دست داشتن تلفن هوشمند بر فومو اثرگذار است و بین این دو ارتباط معناداری وجود دارد و میان تعداد رسانه‌های اجتماعی که فرد از آن‌ها استفاده می‌کند و فومو ارتباط معناداری وجود دارد. علاوه بر این، میان مدت زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی و فومو نیز رابطه معناداری وجود دارد.	جزئین ^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۷)
در این پژوهش، به بررسی ارتباط میان فومو، رسانه‌های اجتماعی و اعتیاد به تلفن همراه با استفاده از مدل آل پی ای، پرداخته شده است. نتایج این پژوهش، نشان داد که در کاربرانی که استفاده کمی از رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند، میزان فومو و اعتیادشان به تلفن همراه کمتر بوده است و افرادی که استفاده زیادی از رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند و امکان آسیب‌پذیری آن‌ها از تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی به علت اختلالاتی که داشته‌اند بیشتر بوده است، میزان فومو و اعتیاد به تلفن همراه بیشتری داشته‌اند.	فاستر ^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۷)
نتایج این پژوهش نشان داده است که افرادی که احساس بی‌ارزشی بیشتر و اضطراب و زودرنجی بالا و اعتمادبه‌نفس پایین‌تری است، فومو بیشتری دارند. نویسندگان در مقیاس خود در سنجش فومو از سؤالات مربوط به ترس و نگرانی و اضطراب ناشی از بی‌اطلاع بودن از حوادث و تجربیاتی و گفتگوهایی که در یک گروه اجتماعی رخ می‌دهد استفاده کرده‌اند.	ابل (۲۰۱۶)
این مطالعه ارتباط میان فومو و حضور در رسانه‌های اجتماعی را در میان مردم فرانسه بررسی می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط میان فومو و حضور در رسانه‌های اجتماعی معنادار بوده است. گروهی که وقت آزاد داشتند بیشتر از گروه کنترل از رسانه‌های اجتماعی استفاده کرده بودند. علاوه بر این، تفاوت معنادار اندکی میان جنس و فومو و استفاده از رسانه‌های اجتماعی وجود داشت. در مورد فومو، مردان فومو کمتری از زنان داشتند.	میچوت ^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۶)
این مطالعه فومو را در رابطه با عوامل جمعیت‌شناختی، بهزیستی، عوامل رفتاری و انگیزشی مورد بررسی قرار داده است. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که جوانان سطح بالاتری از فومو دارند و بعلاوه کسانی که رضایت کمتری از نیازهای روانشناختی (ارتباط با دیگران، خودمختاری، شایستگی) دارند، سطح بالاتری از فومو را نشان دادند. علاوه بر این فومو با حالات عمومی و رضایت از زندگی ارتباط منفی داشته است و با حضور فرد در رسانه‌های اجتماعی مرتبط بوده است.	پریزیلسکی و همکاران (۲۰۱۳)
نویسندگان براساس یافته‌های تحقیق خود نتیجه می‌گیرند افرادی که فومو دارند به طور منظم تلفن همراه خود را بررسی می‌کنند و در بین گروه‌های سنی، افراد بین ۱۳ تا ۳۳ سال فومو بیشتری دارند. ۶۵٪ از پاسخ‌دهندگان این تحقیق اظهار داشتند که وقتی تلفن همراه خود را کنار می‌گذارند این ترس را دارند که دوستانشان در نبود آنها کاری انجام دهند.	اینتلینجس ^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۱)

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با تأملی ژرف در پویایی‌های زیست‌جهان دیجیتال، رویکردی کاربردی و پیمایشی را در چارچوبی توصیفی-تحلیلی سامان داده تا با نگاهی روش‌مند، پیوندهای چندساختی سازه‌های پدیده ترس از جا ماندن (FOMO) را در سپهر معاصر جامعه‌شناختی تبیین نماید. مدل‌سازی معادلات ساختاری، به‌مثابه ابزاری پیشگام، برای کاوش این روابط برگزیده شده که با بنیان نظری پژوهش، متکی بر نظریه‌های سترگ جامعه‌شناسی،

¹⁵ Gezgin

¹⁶ Fuster

¹⁷ Michot

¹⁸ Intelligence

هم‌سویی استواری دارد. جامعه آماری، تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال اهواز را در بر می‌گیرد که تعداد آن‌ها مطابق آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر است. حجم نمونه، با بهره‌جویی از نرم‌افزار Sample Power (سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸۰، اندازه اثر ۰/۳۰)، ۴۵۹ نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری این تحقیق از نوع تصادفی چند مرحله‌ای بوده است و روش اجرای آن نیز به این صورت بوده است که در ابتدا از بین مناطق مختلف شهر اهواز بعضی از محله‌های شهر اهواز از جمله: کوی رمضان، کوی مهدیس، گلستان، شهرک دانشگاه، محله نادری (مرکز شهر) به صورت تصادفی برگزیده شدند و پس از آن، از هر محله، دو خیابان اصلی به صورت تصادفی انتخاب شده، با اطمینان از اینکه شهروند ساکن شهر اهواز هستند، از اولین فرد ملاقات شده‌ی بالای ۱۵ سال خانوار، خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای سنجیده است که با محوریت فرد، متغیرهای مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، رضایت از زندگی، انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی و ترس از جا ماندن را می‌کاود. روایی آن با قضاوت خبرگان و پایایی‌اش با ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷) پس از آزمونی مقدماتی بر ۳۰ نفر اثبات شد. داده‌ها در سال ۱۴۰۲ به صورت غیرحضور گرد آمدند، با التزامی استوار به موازین اخلاقی چون رضایت آگاهانه و محرمانگی. تحلیل در دو ساحت صورت گرفت: توصیفی (با SPSS نسخه ۲۶، دربرگیرنده میانگین و فراوانی‌ها) و استنباطی (با AMOS نسخه ۲۴، از رهگذر مدل‌سازی معادلات ساختاری)، که برازش آن با معیارهای متعارف سنجیده شد.

جدول ۴. تعداد نمونه در نرم‌افزار sample power

نام متغیر	corr	Vs	N cases	CI level	lower	upper	Tails	Alpha	Power
انزوا و فومو	۰.۷۹	۰.۰۰	۸	۰.۹۵۰	۰.۱۹	۰.۹۶	۲	۰.۵۰	۰.۸۵۷
محرومیت و فومو	۰.۵۱	۰.۰۰	۲۵	۰.۹۵۰	۰.۱۴	۰.۷۵	۲	۰.۵۰	۰.۸۱۰
مشارکت و فومو	۰.۲۵	۰.۰۰	۱۲۰	۰.۹۵۰	۰.۰۷	۰.۴۱	۲	۰.۵۰	۰.۸۰۱
رضایت از زندگی و فومو	۰.۱۳	۰.۰۰	۴۵۹	۰.۹۵۰	۰.۰۴	۰.۲۲	۲	۰.۵۰	۰.۸۰۰

یافته‌های پژوهش الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۵. مشخصات پاسخگویان پرسشنامه‌ها

شاخص	سنجه	فراوانی	شاخص	سنجه	فراوانی
جنس	زن	۲۱۶	وضعیت تأهل	مجرد	۲۶۱
	مرد	۲۴۳		متأهل	۱۹۸
	کل	۴۵۹		کل	۴۵۹
سن	۱۵-۲۵	۱۱۶	تحصیلات	زیر دیپلم	۳۱
	۲۶-۳۵	۱۴۱		دیپلم	۱۴۶

۱۷	فوق دیپلم		۱۱۹	۳۶-۴۵	
۱۳۸	لیسانس		۵۱	۴۶-۵۵	
۱۲۵	فوق لیسانس و بالاتر		۳۲	۵۶-۶۵	
۴۵۹	کل		۴۵۹	کل	

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات

فرضیه اول: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معنادار ($r = 0.65$) بین احساس انزوای اجتماعی و پدیده فومو (ترس از جا ماندن) است. این یافته، حاکی از آن است که انزوای اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل، تأثیر مستقیمی بر شدت فومو دارد؛ به طوری که افزایش احساس انزوا با تشدید فومو و کاهش آن با تضعیف فومو همراه است. این رابطه می‌تواند بیانگر پویایی‌های اجتماعی-روانی در بستر تعاملات مدرن باشد.

فرضیه دوم: بر اساس نتایج آزمون پیرسون، بین احساس محرومیت و فومو، رابطه‌ای معنادار ($r = 0.52$) مشاهده می‌شود. این ارتباط دلالت بر آن دارد که ادراک محرومیت نسبی، به عنوان یک عامل انگیزشی، فومو را تقویت می‌کند؛ به گونه‌ای که با افزایش احساس محرومیت، فومو تشدید شده و با کاهش آن، این پدیده فروکش می‌کند. این یافته با نظریه‌های محرومیت نسبی در جامعه‌شناسی هم‌راستا به نظر می‌رسد.

فرضیه سوم: تحلیل همبستگی پیرسون، وجود رابطه‌ای معنادار ($r = 0.51$) بین میزان مشارکت در رسانه‌های اجتماعی و فومو را تأیید می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش تعاملات در فضای مجازی به عنوان یک متغیر محیطی، با شدت گرفتن فومو ارتباط دارد، در حالی که کاهش این مشارکت به کاهش فومو منجر می‌شود. این یافته بر نقش واسطه‌ای رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اضطراب‌های اجتماعی تأکید دارد.

فرضیه چهارم: آزمون پیرسون، رابطه‌ای معنادار و معکوس ($r = -0.48$) بین رضایت از زندگی و فومو را آشکار می‌سازد. این همبستگی منفی، بیانگر آن است که افزایش رضایت از زندگی، به عنوان یک عامل محافظتی، فومو را کاهش می‌دهد؛ در حالی که کاهش این رضایت با تشدید فومو همراه است. این رابطه معکوس، پیوند میان بهزیستی ذهنی و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اجتماعی را برجسته می‌کند.

فرضیه پنجم:

الف) نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه ($F = 3.358, Sig = 0.000$) نشان‌دهنده تفاوت معنادار در سطح فومو بین گروه‌های سنی مختلف است. این یافته بر تأثیر متغیرهای دموگرافیک، به ویژه سن، بر تجربه فومو دلالت دارد و ضرورت بررسی چرخه زندگی در مطالعات جامعه‌شناختی این پدیده را مطرح می‌کند.

(ب) آزمون تی مستقل ($T = 1.611$, $Sig = 0.000$) تفاوت معناداری را در میزان فومو، بین زنان و مردان تأیید می‌کند. این نتیجه می‌تواند بازتاب‌دهنده تفاوت‌های جنسی در ادراک اجتماعی و مواجهه با فشارهای فرهنگی باشد که نیازمند تحلیل عمیق‌تر در چارچوب نظریه‌های جنسیتی است.

(ج) تحلیل واریانس یک‌راهه ($F = 18.02$, $Sig = 0.000$) وجود تفاوت معنادار بین وضعیت اشتغال و فومو را نشان می‌دهد. نتایج آزمون تعقیبی شفه نیز حاکی از آن است که افراد بدون شغل در مقایسه با سایر گروه‌ها، فومو بیشتری را تجربه می‌کنند. این یافته بر پیوند میان ناامنی اقتصادی-اجتماعی و شدت فومو تأکید دارد و می‌تواند به عنوان شاخصی برای تحلیل نابرابری‌های ساختاری مورد توجه قرار گیرد.

الگوسازی معادلات ساختاری

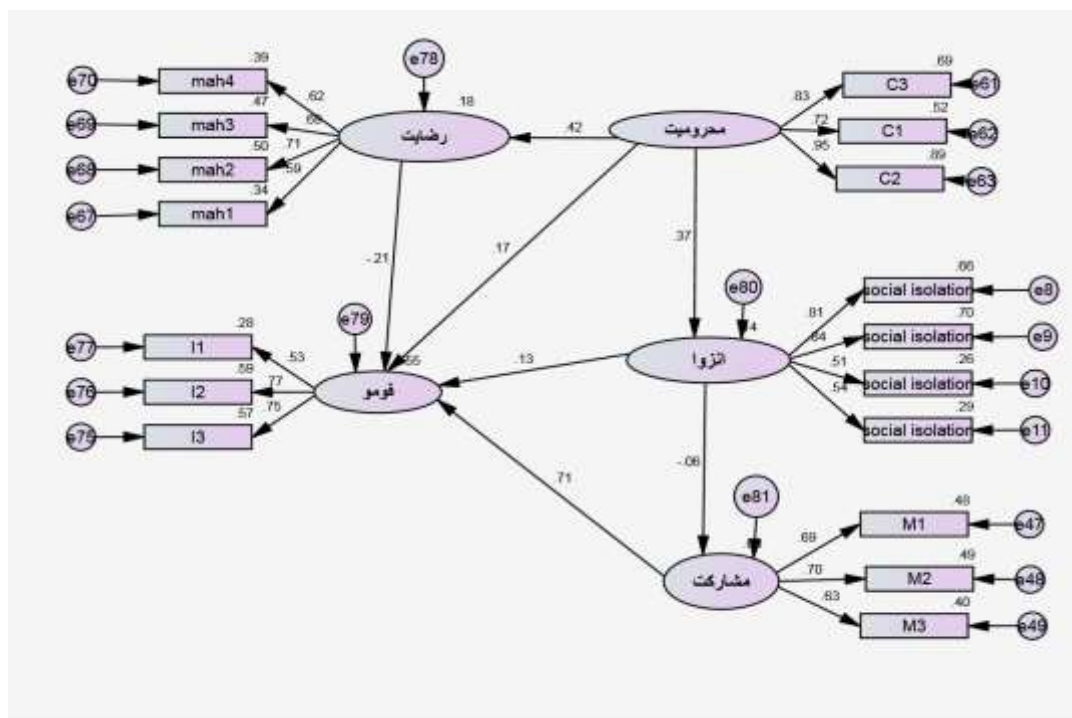
با کاربرد Amos Graphics در این بخش، به بررسی اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری و ارزیابی نیکویی برازش مدل پیشنهادی پرداخته شده است. این تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics و بر اساس داده‌های گردآوری‌شده مرتبط با متغیرهای استخراج‌شده از فرضیه‌ها، انجام پذیرفته است. نتایج در بخش اندازه‌گیری مدل، حاکی از آن است که بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون^{۱۹} به صورت نسبتاً مناسبی بر سازه‌های مربوطه بارگذاری شده‌اند که این امر نشان‌دهنده کفایت نسبی ابزار اندازه‌گیری در بازنمایی مفاهیم نظری است. یافته‌های مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که شاخص‌های تطبیقی برازش (Goodness-of-Fit Indices) مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را به دست داده‌اند. این سطح از برازش، بیانگر آن است که مدل پیشنهادی از توان کافی برای فاصله گرفتن از یک مدل مستقل^{۲۰} و نزدیک شدن به یک مدل اشباع‌شده^{۲۱} برخوردار است که این امر بر اساس معیارهای استاندارد تعریف‌شده برای این شاخص‌ها تأیید می‌شود. چنین نتایجی بر قدرت تبیینی مدل و انطباق آن با داده‌های تجربی دلالت دارد. در بخش ساختاری مدل، تحلیل روابط بین متغیرها، نشان‌دهنده تفاوت در شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر سازه فومو (ترس از جا ماندن) است. متغیر «مشارکت در رسانه‌های اجتماعی» با ضریب مسیر استاندارد شده ۰/۷۱، قوی‌ترین همبستگی مثبت را با فومو نشان می‌دهد. در مقابل، «رضایت از زندگی» با ضریب ۰/۲۱ رابطه‌ای معکوس و معنادار را با این سازه آشکار می‌سازد. هم‌چنین «احساس محرومیت نسبی» با ضریب ۰/۱۷ تأثیر مثبت و قابل توجهی بر فومو دارد. این سه متغیر، به دلیل وزن بالاتر در محاسبات مربوط به سازه مکنون فومو، از اهمیت بیشتری برخوردارند. در مقابل، «احساس انزوای اجتماعی» با ضریب ۰/۱۳ کمترین همبستگی را با فومو نشان می‌دهد و در نتیجه در محاسبات وزن کمتری به آن اختصاص می‌یابد. این تفاوت در ضرایب مسیر، نشان‌دهنده سلسله مراتب تأثیرگذاری متغیرها بر پدیده فومو در چارچوب این مدل است. علاوه بر این، تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل نیز حاکی از وجود همبستگی‌های معنادار است. «احساس محرومیت نسبی» با «رضایت از زندگی» و «انزوای اجتماعی» ارتباط دارد که می‌تواند بازتاب‌دهنده پیوندهای پیچیده، میان این سازه‌ها در بستر اجتماعی باشد. هم‌چنین، بین «مشارکت در

¹⁹ . Latent Variables

²⁰ . Independence Model

²¹ . Saturated Model

رسانه‌های اجتماعی» و «انزوای اجتماعی» رابطه‌ای ضعیف، مشاهده می‌شود که این یافته می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ای برای تحلیل‌های تکمیلی در زمینه تعاملات دیجیتال و انزوا مورد توجه قرار گیرد.



مدل ۲. مدل معادله ساختاری

جدول ۶. نتایج ارزیابی برازش الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص‌های برازندگی

DF	P	Chi-square	RMSEA	GFI	IFI	DF/CMIN
۳۶۷	۰/۰۰	۱۶۴/۹۶	۰/۰۶	۰/۸۹	۰/۹۱	۳/۴۰

از آنجا که معیارهای $GFI=0/89$ ، $TLI=0/93$ و $IFI=0/91$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/068$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

بحث و نتیجه‌گیری

هرچند پدیده فومو (ترس از جا ماندن) به خودی خود، مفهومی نو ظهور نیست، اما اهمیت و گسترش بحث پیرامون آن به‌طور چشمگیری با ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی هم‌زمان شده است. بررسی الگوهای استفاده از رسانه‌های اجتماعی در ایران، نشان‌دهنده ابعاد گسترده این پدیده است. داده‌ها در شهر اهواز (نمونه مورد مطالعه) نشان می‌دهد که دست کم ۷۰ درصد ساکنان این کلان‌شهر، از یک شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند. این گسترش فزاینده استفاده از رسانه‌های اجتماعی در ایران می‌تواند پیامدهایی چون: کاهش تمایل جوانان به مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی و هم‌چنین تضعیف مهارت‌های اجتماعی آن‌ها را در پی داشته باشد که این امر به نوبه خود، به تشدید فومو دامن می‌زند. در پژوهش حاضر، پنج فرضیه مبتنی بر نظریه‌های دسی و رایان

(نظریه خودتعیین‌گری)، فستینگر (نظریه مقایسه اجتماعی)، مازلو (سلسله‌مراتب نیازها) و مطالعات پیشین تدوین و از طریق آزمون‌های همبستگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که متغیرهایی چون احساس محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی، میزان مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، رضایت از زندگی، جنس، سن و وضعیت اشتغال با فومو رابطه‌ای معنادار دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های میچوت و همکاران (۲۰۱۷) و جزئین و همکاران (۲۰۱۷) در مورد تأثیر جنس و سن بر فومو هم‌راستاست. همچنین، ارتباط معنادار وضعیت اشتغال با فومو با مطالعه میچوت و همکاران (۲۰۱۷)، و رابطه رضایت از زندگی با فومو با تحقیقات پرزیلسکی (۲۰۱۳)، جود (۲۰۱۷) و دمپسی و همکاران (۲۰۱۹) هم‌خوانی دارد. این انطباق‌ها بر اعتبار نتایج این مطالعه و جایگاه آن در چارچوب ادبیات جهانی این حوزه تأکید می‌کند.

پیشنهادهای کاربردی

یافته‌های این پژوهش نشان داد که احساس انزوای اجتماعی و فقدان تعاملات انسانی، از عوامل کلیدی اثرگذار بر فومو هستند. از این‌رو، خانواده‌ها می‌توانند با تقویت روابط عاطفی سالم و فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای گذران اوقات فراغت، مانع از جایگزینی زندگی مجازی با تعاملات واقعی شوند. این امر به‌ویژه برای افرادی که اوقات فراغت بیشتری دارند و در نتیجه در معرض فومو شدیدتری قرار می‌گیرند، اهمیت دارد. هم‌چنین نهادهای اجرایی و سیاست‌گذاران می‌توانند با طراحی برنامه‌های فرهنگی و تفریحی جذاب و ایجاد فرصت‌های شغلی، زمینه کاهش وابستگی به رسانه‌های اجتماعی و تقویت روابط واقعی را فراهم آورند که این اقدامات به نوبه خود فومو را کاهش می‌دهد. هم‌چنین این پژوهش نشان داد که احساس محرومیت نسبی و رضایت از زندگی نیز از متغیرهای کلیدی اثرگذار بر فومو هستند. رسانه‌های اجتماعی و جمعی با تسهیل مقایسه اجتماعی، افراد را به بررسی مداوم زندگی دیگران و تشدید فومو سوق می‌دهند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با توزیع عادلانه منابع، کاهش نابرابری‌های طبقاتی و توجه به تعادل میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (دارایی‌ها)، احساس محرومیت نسبی را کاهش و رضایت از زندگی را افزایش دهند. این اقدامات می‌تواند تمایل افراد را به کسب اطلاعات مداوم از دیگران برای مقایسه کاهش داده و فومو را تعدیل کند. □ با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ و جذابیت بالای آن‌ها برای جوانان، نهادهایی چون سازمان صداوسیما، سازمان ملی جوانان و نهادهای فرهنگی می‌توانند از نتایج این پژوهش بهره‌گیرند. طراحی برنامه‌های پرمحتوا، آموزشی و سرگرم‌کننده برای پر کردن اوقات فراغت جوانان، اطلاع‌رسانی درباره پیامدهای منفی استفاده بیش‌ازحد از رسانه‌های اجتماعی و کاهش زمینه‌های مقایسه اجتماعی از طریق محتوای هدفمند، می‌تواند به کاهش فومو کمک کند.

پیشنهادهای پژوهشی

- انجام تحقیقات گسترده‌تر برای شناسایی سایر عوامل مؤثر بر فومو با استفاده از رویکردهای ترکیبی..
- بررسی عمیق‌تر عوامل اجتماعی و روانشناختی مرتبط با فومو از طریق روش‌های کیفی، مانند مصاحبه‌های عمیق و تحلیل روایی، به‌منظور درک بهتر ابعاد زمینه‌ای این پدیده..

- سرمایه‌های فرهنگی می‌تواند نقش محرومیت نسبی (۰/۱۷) و وضعیت اشتغال را در شدت این پدیده تبیین کند.
- مطالعات بین‌رشته‌ای با تأکید بر روان‌شناسی شناختی-اجتماعی: ترکیب روش‌های کیفی و کمی برای بررسی مکانیزم‌های شناختی (مثل توجه به رسانه‌ها) و سازه‌های اجتماعی (مثل محرومیت) می‌تواند درک عمیق‌تری از فومو ارائه دهد.
- تحلیل تطبیقی فومو در جوامع در حال گذار: مقایسه ایران با جوامع مشابه (مانند ترکیه) می‌تواند تأثیر ساختارهای کلان (مثل دیجیتالی‌سازی) بر فومو را روشن کرده و یافته‌ها را تعمیم‌پذیر سازد.

منابع

- اسدی، هانا؛ شریفی، فواد. (۱۴۰۱). تدوین و اعتبار سنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره. ۵(۲). ۱۶۹-۱۴۷.
- بایرامی، رقیه؛ مقدم تبریزی، فاطمه؛ طالبی، عرفانه؛ ابراهیمی، سمیرا. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه. مجله پرستاری و مامایی، ۱۷(۵)، ۳۵۵-۳۶۲.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۳۱-۳. زمستان.
- حسینی اسفیدواجانی، مطهره السادات؛ قربان جهرمی، رضا؛ درتاج، فربرز؛ حسینی، سید بشیر. (۱۴۰۲). هیجان‌های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۳(۴۹)، ۹۱-۱۰۱.
- قاسمی، وحید؛ عدلی پور، صمد؛ برندگی، بدری. (۱۳۹۵). «تبیین رابطه استفاده از شبکه اجتماعی فیسبوک با هویت جنسی دانشجویان دانشگاه اصفهان». مجله علمی-پژوهشی رسانه و فرهنگ، سال ششم، شماره دوم، صص ۷۷-۱۰۰. پاییز و زمستان.
- کوهن، آلوین استانفورد. (۱۳۹۶). تئوری‌های انقلاب (ترجمه علیرضا طیب). تهران، نشر: قومس.
- مازلو، آبراهام. (۱۳۷۶). انگیزش و شخصیت (ترجمه احمد رضوانی). مشهد، آستان قدس، چاپ اول.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هزار جریبی، جعفر، صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم.

- Abel, Jessica P., Cheryl L. Buff, and Sarah A. Burr. (2016). **Social media and the fear of missing out: Scale development and assessment.** Journal of Business & Economics Research (Online) 14.1 (2016): 33.

- Cargill, M.(2019).**The relationship between social media addiction, anxiety, the fear of missing out, and interpersonal problems** (Doctoral dissertation, University of Akron).
- Dempsey, A.E., O'Brien, K.D., Tiamiyu, M.F., & Elhai, J.D.(2019).**Fear of missing out (FoMO) and rumination mediate relations between social anxiety and problematic Facebook use**.Addictive Behaviors Reports, 9, 100150.
- Fuster,H.Chamarro,A and oberst,U (2017).**Fear of Missing Out, online socials networking and mobile phone addiction: A latent profile approach**, Revista de Psicologia, Ciències de l'Educació i de l'Esport: Aloma 35(1), 23-30
- Gezgin, D.M., Hamutoglu, N.B., Gemikonakli, O., & Raman, I.(2017).**Social networks users: fear of missing out in preservice teachers**.Journal of Education and Practice, 8(17), 156-168.
- Intelligence, J.W.T.(2011).**Fear of Missing Out**.Retrieved May 10, 2013, from <http://www.jwtintelligence.com/production/FOMO JWT TrendReport May2011.pdf>.
- Jood, T.E.(2017).**Missing the present for the unknown: the relationship between fear of missing out (FoMO) and life satisfaction**.University of South Africa, Master Thesis.
- Michot, D., Blancot, C., & Munoz, B.B.B.(2016).**Relationship between fear of missing out and social media engagement in a French population sample**. - Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V.(2013).**Motivational, emotional, and behavioral correlates of fear of missing out**.Computers in Human Behavior, 29(4), 1841-1848.
- Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V.(2013).**Fear of missing out scale**.PsycTESTS Dataset.DOI, 10.
- Swar, B., & Hameed, T.(2017, February).**Fear of missing out, social media engagement, smartphone addiction and distraction: Moderating role of self-help mobile apps-based interventions in the youth**.In International Conference on Health Informatics (Vol.6, pp.139-146).scitepress.
- Cargill, M. (2019). **The Fear of Missing Out: A Psychological Perspective**. Journal of Media Psychology, 6(1), 1-12.
- DataReportal. (2023). **Global social media statistics 2023**. Retrieved from <https://datareportal.com>
- Judd, S. (2017). **FOMO and the Modern Digital Landscape**. CyberPsychology Journal, 10(2), 5-15.
- Judd, S. (2019). **Anxiety and Digital Comparison: The Social Cost of FOMO**. Journal of Digital Behavior, 30(3), 25-40.
- Przybylski, A. K., Murayama, K., DeHaan, C. R., & Gladwell, V. (2013). **Motivational, emotional, and behavioral correlates of fear of missing out**. Computers in Human Behavior, 29(4), 1841-1848.
- Turkle, S. (2023). **Reclaiming Conversation: The Power of Talk in a Digital Age**. Penguin Books.
- Oxford English Dictionary. (2015). **Definition of "Fear of Missing Out (FOMO)"**. Retrieved from <https://www.oed.com>
- Shin, S. J., Lee, S. M., & Kim, J. H. (2015). **Social isolation and its effects on well-being: A psychological perspective**. Journal of Social and Personal Relationships, 32(3), 10-25.
- Cohen, S. (2008). **Relative deprivation and its impact on mental health and behavior**. Social Science & Medicine, 67(7), 1082-1089.
- Presti, G., & Schwab, C. (2018). **The effects of social media engagement on social identity and psychological well-being**. Journal of Digital Psychology, 22(2), 47-62.
- Hailey, S., & Kenny, P. (2019). **Life satisfaction in the digital age: The role of social comparison and FOMO**. Journal of Cyberpsychology, 30(4), 123-137.

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Vol. 18, No. 1, Serial No. 2, Spring 2025

Received: 09 February, 2025 | Accepted: July 24, 2025

pp. 24–43

Sociological Analysis of FoMO in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of Social and Psychological Effects on Social Media Users in Ahvaz

Abstract

This study undertakes a rigorous and systematic sociological analysis of the Fear of Missing Out (FoMO) within the digital lifeworld of social media users in Ahvaz, Iran. Grounded in robust theoretical frameworks—namely social comparison theory, hierarchy of needs, self-determination theory, and social capital—this research establishes a solid foundation for explicating this emergent phenomenon in the digital sphere, deriving precise and coherent hypotheses from these perspectives. Employing a survey-based design, data were collected using a carefully validated questionnaire with established scientific credibility. The target population encompasses all residents of Ahvaz aged 15 and above, with a sample size of 459 participants determined using the advanced Sample Power tool to facilitate Pearson correlation analysis. Data were gathered in 2023 through quota sampling, adhering steadfastly to scientific principles, and analyzed using SPSS and AMOS software. The findings reveal significant associations between FoMO and variables such as social isolation, relative deprivation, social media engagement, life satisfaction, gender, age, and employment status. Structural modeling indicates that social media engagement ($\beta = 0.71$), life satisfaction ($\beta = -0.21$), and relative deprivation ($\beta = 0.17$) exhibit stronger correlations with the FoMO construct, while social isolation ($\beta = 0.13$) demonstrates a comparatively weaker association. These results not only illuminate the hidden complexities of the digital lifeworld but also underscore the urgent need for a profound reconsideration of users' lived experiences amid the social dynamics of the digital age. Keywords: FoMO, social media, social satisfaction, social isolation, relative deprivation

Sociological Analysis of FoMO in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of Social and Psychological Influences on Social Media Users in Ahvaz Samira Heidari, Nasrin Darvishi, Narges Darvishi Abstract This study provides a systematic sociological examination of the Fear of Missing Out (FoMO) within the digital lifeworld of social media users in Ahvaz, Iran. Anchored in established theoretical frameworks—including social comparison theory, Maslow's hierarchy of needs, self-determination theory, and social capital—this research constructs a robust basis for elucidating this emerging phenomenon in the digital realm and formulates precise hypotheses derived from these perspectives. Utilizing a survey methodology, data were collected via a rigorously validated questionnaire from a population comprising all Ahvaz residents aged 15 and older. A sample of 459 participants was determined using Sample Power software to support Pearson correlation analysis. Data, collected in 2023 through quota sampling with strict adherence to scientific standards, were analyzed using SPSS and AMOS. Findings indicate statistically significant relationships between FoMO and variables such as social isolation, relative deprivation, social media engagement, life satisfaction, gender, age, and employment status. Structural equation modeling reveals that social media engagement ($\beta = 0.71$), life satisfaction ($\beta = -0.21$), and relative

deprivation ($\beta = 0.17$) exhibit the strongest correlations with FoMO, whereas social isolation ($\beta = 0.13$) demonstrates a weaker association. These findings highlight the intricate dynamics of the digital lifeworld and emphasize the critical need for deeper reflection on users' lived experiences within the evolving social landscape of the digital era.

Keywords : FoMO, social media, life satisfaction, social isolation, relative deprivation.

Journal of Social Sciences



Year 19, No. 18, Continuity (2), Issue 1, Spring 2025
ISSN: 1735-7039

- **Exploring the Formation of Social and Cultural Trauma of Fear of Marriage among Girls through the Grounded Theory Method: A Case Study of Shahreza County**

Authors: Samaneh Shadmand, Seyed Ali Hashemianfar, Saeed Aghasi

1-23

- **A Sociological Analysis of the Fear of Marginalization in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of the Social and Psychological Impacts of Social Media on Users in Ahvaz**

Authors: Narges Dorveshi, Samira Heydari Asl, Nasrin Dorveshi

24-43